

موسسه فرهنگی مطالعات
وتحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران

بولتن ویژه

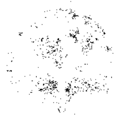
شماره: ۸۴/۱۰۴/۷۳ مرداد ۱۳۸۴

تحلیل نقش جنگ سالاران به‌ویژه اسماعیل‌خان در افغانستان و ارتباط آن با ایران و آمریکا

این بولتن از دو مقاله تحلیلی تشکیل شده که به ارزیابی نقش و اهمیت اسماعیل‌خان در افغانستان و تحولات منطقه‌ای می‌پردازد.

تلفن : ۴ـ۲۸۶۳۲۸۰
نشانی اینترنت :
www.tisri.org
پست الکترونیکی :
info@tisri.org

تحلیل نقش جنگ‌سالاران به‌ویژه اسماعیل‌خان در افغانستان و ارتباط آن با ایران و آمریکا



مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات
بین‌المللی ابرار معاصر تهران

۱۳۸۴

بولتن ویژه تحلیل نقش جنگ‌سالاران به‌ویژه اسماعیل‌خان در افغانستان و ارتباط آن با ایران و آمریکا/ نظارت و اجرا مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران شعبه خراسان. — تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴.
۴۸ ص. —(انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران؛ ۱۸۸. سیاست جهانی؛ ۱۰۴)
ISBN: 964-8680-92-2: ۲۳۰۰۰ ریال
کتاب حاضر ترجمه‌ای از: "War, Peace and the Warlords: The Case of IsmailKhan of Hearat in Afghanistan by Golshan Dietl and Ismailkhan, Heart, And Iranian Influence, by Thomas H. Johnson, 2004"
است.
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.
کتابنامه: ص. ۴۱ ـ ۴۵.
۱. اسماعیل‌خان، ۱۳۲۸ – . ۲. افغانستان – روابط خارجی – ایالات متحده. ۳. افغانستان – تاریخ – ۱۳۶۸–. ۴. ایالات متحده – روابط خارجی – افغانستان. ۵. افغانستان – روابط خارجی – ایران. ۶. ایران – روابط خارجی – افغانستان. الف. جانسون، تامس، Johnson, Thomas, H. ب. دیتل، گلشن Dietl, Gulshan ج. مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران. شعبه خراسان.
۹ ب ۵ الف/ DS ۳۷۱ — ۹۵۸/۱۰۴۵۰۹۲
۱۳۸۴
کتابخانه ملی ایران — ۲۰۸۶۳ ـ ۸۴م



انتشارات مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران

تهران: صندوق پستی ۳۸۴۹ ـ ۱۵۸۷۵، تلفن: ۲۸۵۲۲۴۳، نمابر: ۲۸۶۳۲۸۰
نشانی اینترنت:www.tisri.org پست الکترونیک: info@tisri.org

این بولتن ترجمه‌ای است از:

"War, Peace and the Warlords: The Case of Ismail Khan of Herat in Afghanistan, by Golshan Dietl, Alternatives, Volume 3, Summer and Fall 2004"

And

"Ismailkhan, Hearat, and Iranian Influence, by Thomas H. Johnson, Strategic Insights, Volume III, Issue 7, July 2004"

بولتن ویژه: تحلیل نقش جنگ‌سالاران به‌ویژه اسماعیل‌خان در افغانستان و ارتباط آن با ایران و آمریکا
نظارت و اجرا: مؤسسهٔ فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر ـ شعبه خراسان
صفحه‌آرا: علی‌اکبر حسینیه‌فراهانی
نمونه‌خوان: رقیه بدیعی گهر
چاپ نخست: مرداد ماه ۱۳۸۴
شماره: ۸۴/۱۰۴/۷۳
شابک: ۲ ـ ۹۲ ـ ۸۶۸۰ ـ ۹۶۴
کدبازیابی در کتابخانه دیجیتالی دید: BL00020055707451909
شمارگان: ۴۰۰ نسخه
قیمت: ۲۳۰۰ تومان

پیشگفتار

بررسی تاریخ افغانستان به‌خصوص تاریخ معاصر و سیر تحولات آن، بی شک همگان را متوجه همسایه قدرتمند این کشور، یعنی جمهوری اسلامی ایران می‌نماید. افغانستان و ثبات در این کشور، از سالیان گذشته تا به امروز همواره مورد توجه ویژه کارشناسان و تصمیم‌گیران ایران قرار داشته و از جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی آن برخوردار بوده است.

بولتن حاضر از دو مقاله تحلیلی، تحت عناوین «نقش جنگ‌سالاران به‌ویژه اسماعیل‌خان در زمان جنگ و صلح» و «اسماعیل‌خان، مسئله هرات و نفوذ ایران» تشکیل شده است و در نظر دارد تا با طرح دو دیدگاه آمریکایی و آسیایی به ارزیابی از نقش اسماعیل‌خان در افغانستان و تحولات منطقه‌ای دست یابد. نوشتار نخست این بولتن به مطالعه نقش و اهمیت جنگ‌سالاران افغان در زمان جنگ و صلح می‌پردازد و محور توجه آن اسماعیل‌خان، والی سابق هرات، است. این مقاله تحلیلی توسط گلشن دیتل، کارشناس مرکز مطالعات آفریقا و غرب آسیا وابسته به دانشگاه جواهر لعل نهرو، نگاشته شده و در مجله "Alternatives" ازجمله انتشارات دانشکده روابط بین‌الملل دانشگاه فاتح ترکیه به چاپ رسیده است.

مقاله دوم با قطعی دانستن روابط و مناسبات مهم اسماعیل‌خان با ایران، تلاش کرده است تا به بررسی و تحلیل این روابط و پیامدهای احتمالی آن برای دولت مرکزی افغانستان و به‌خصوص برای ایالات متحده بپردازد. این مقاله توسط توماس اچ. جانسون، استاد «گروه امور امنیت ملی» دانشکده تحصیلات تکمیلی نیروی دریایی ارتش آمریکا و کارشناس امور افغانستان، آسیای مرکزی، جنوب آسیا و تروریسم، نوشته شده و در نشریه الکترونیک «شناخت‌های استراتژیک» به چاپ رسیده است. این نشریه توسط «مرکز مناقشه معاصر»، وابسته به نیروی دریایی ارتش آمریکا، منتشر می‌گردد.

این بولتن، محصول تلاش مدیریت بولتن‌های شعبه خراسان مؤسسه مطالعات تهران، آقای حسام‌الدین حجت‌زاده، و همکاران ایشان می‌باشد که به شکل ویژه بررسی مسائل مربوط به همسایگان شرقی، شمال شرقی ایران و منطقه آسیای مرکزی را دنبال می‌نمایند. با تشکر فراوان از این همکاران، امید است که تلاش آنها با توجه به حساسیت موضوع، مورد توجه کارشناسان مسائل افغانستان و علاقمندان به آن، قرار گیرد. شایان ذکر است که مطالب مطرح شده در این بولتن، تنها برگردان مقالات فوق‌الذکر است و دیدگاه مؤسسه تهران را دربرنمی‌گیرد.

بهزاد احمدی لفورکی

مدیریت بولتن‌ها

معاونت پژوهشی

فهرست

نقش جنگ‌سالاران به‌ویژه اسماعیل خان در زمان جنگ و صلح ۹

اسماعیل‌خان، مسئله هرات و نفوذ ایران ۲۹

پی‌نوشت‌ها ۴۱

نقش جنگ‌سالاران به‌ویژه اسماعیل‌خان در زمان جنگ و صلح

گلشن دیتل[1]

مقدمه

توزیع قدرت در یک واحد سیاسی مانند دولت، مستلزم نوعی سازش و مصالحه است و می‌تواند نقاط قوت و ضعف آن واحد سیاسی را مشخص کند. این توزیع قدرت از سه طریق صورت می‌گیرد:

۱ـ در قالب قانون اساسی؛

۲ـ در قالب مجموعه‌ای از اصول توافقی مکتوب؛

۳ـ در قالب واقعیات جامعه.

اگر مرکز توزیع قدرت از توانایی کافی برخوردار نباشد، این امکان پدید می‌آید که مراکز پیرامون قدرت به رقابت با یکدیگر برخیزند. در نتیجه این مرکز ممکن است بر این رقابت‌ها فائق آید یا آنکه این توازن نامتعادل تداوم یابد و یا اصلاً موجودیت سیاسی مذکور به دو یا چند قسمت منشعب شود.

اصولاً در مواقع بحرانی و جنگ‌های داخلی، قدرت مرکزی تضعیف می‌شود و در نتیجه قدرت‌های منطقه‌ای سربر می‌آورند. به دنبال این مسئله شبه نظامیان خصوصی برای محافظت از رهبران محلی، حکومت

1. Golshan Dietl

بر مردم محلی و مراقبت از حوزه‌های محلی، پدیدار می‌شوند و در چنین شرایطی جنگ‌سالاران[(۱)] اعلام موجودیت می‌کنند.

نگرشی کلی به اقوام و رهبران آنها در افغانستان

افغانستان کشوری است که از «ایالات روستایی» خودمختار تشکیل شده است. هویت افغان‌ها در درجه اول، براساس قومیت است و قوم نیز یک هویت محلی و منطقه‌ای است که براساس خویشاوندی، محل سکونت و نوع حرفه شکل می‌گیرد. عوامل اصلی همبستگی اجتماعی افغان‌ها شامل قبائل، طوائف، زیرگروه‌های قومی، فرقه‌های مذهبی و غیره می‌باشند. غیر از خانواده، «قوم» مهم‌ترین کانون وفاداری فردی است.[(۲)]

۲۵ سال است که افغانستان گرفتار اغتشاش و آشفتگی است. طی این مدت، حکومت این کشور دستخوش سه تغییر مهم گردیده که عبارتند از:

- تغییر حکومت از سلطنت به مارکسیسم؛
- تغییر از مارکسیسم به بنیادگرایی اسلامی؛
- تغییر از بنیادگرایی اسلامی به آنچه امروز در این کشور دموکراسی مشروطه خوانده می‌شود.

در این دوران ناپایدار، قوم توانسته موجودیت خود را حفظ کند. در خلال اشغال این کشور توسط نیروهای شوروی، قوم به مثابه لنگری برای گروه‌های اجتماعی عمل نمود و در قالب سربازان، مقاومت خود را به نمایش گذاشت. بعدها قوم همچنان یک موجودیت اجتماعی باقی ماند اما افغانستان دچار تضاد و رقابت اقوام مختلف شد. به‌عنوان مثال گاه اقوام مختلف، اتحادهای جدیدی با یکدیگر به وجود می‌آوردند، یا به واحدهای کوچک‌تر تجزیه می‌شدند یا با دیگران یک واحد بزرگ‌تر تشکیل می‌دادند.

هر قوم برای خود یک رهبر دارد که امور مربوط به آن قوم را انجام می‌دهد. به‌عنوان مثال افراد قوم هنگام جنگ تحت هدایت این رهبر وارد عرصه‌های نبرد می‌شوند. افغانستان سرزمین هزار قوم است. پشتون‌ها ۳۳٪، تاجیک‌ها ۲۵٪، هزاره‌ها ۱۹٪ و ازبک‌ها ۵٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. البته این اقوام زیر مجموعه‌های خاص خود را دارند. به عنوان مثال حامد کرزای ـ که از قوم پشتون است ـ به زیر مجموعه آن یعنی قبیله احمدزایی[1] (در غرب افغانستان) تعلق دارد. در شرق افغانستان، زیر مجموعه دیگری از قوم پشتون به نام قبیله غلزایی[2] وجود دارد که از زمان ترور عبدالحق غلزایی توسط طالبان و کشته شدن برادرش حاج

---

1. Ahmadzai
2. Ghilzai

عبدالقادر غلزایی بر اثر انفجار بمب، تاکنون بدون رهبر مانده است. تاجیک‌ها نیز از دو طایفه بدخشانی‌ها و پنجشیری‌ها ـ که ضد یکدیگرند ـ تشکیل شده‌اند. هزاره‌های کوهستان‌های مرکزی، شیعه می‌باشند و ازبک‌ها نیز در شمال و در طول مرز با ازبکستان مستقر هستند.

از جمله ویژگی‌های افغانستان آن است که قومیت‌های مختلف در نقاط جغرافیایی معینی ساکن نیستند و از این‌رو نمی‌توان انتظار داشت که مثلاً موجودیت سیاسی تاجیک بتواند همه تاجیک‌ها را در یک نقطه جمع کند. به همین ترتیب گرچه به لحاظ تاریخی سرزمین مادری پشتون‌ها، جنوب هندوکش بوده است اما این قوم در شمال کشور افغانستان نیز حضور دارد. در حقیقت تا قبل از شورش باسماچی[1] جمعیت پشتون‌ها در شمال بیشتر از ازبک‌ها بود[(۳)] و تا اشغال افغانستان توسط شوروی، سیاست دولت این بود که پشتون‌ها در شمال مستقر باشند. به همین دلیل امکان اینکه اقوام مختلف هر یک به مخالفت برخیزند و قصد جدایی از کشور را داشته باشند، بعید می‌نماید.

از سوی دیگر، تهدید یکپارچگی و حاکمیت ملی افغانستان، این واقعیت را می‌رساند که اختلافات قومی این کشور از سوی همسایگان ذی‌نفع و بانفوذ این کشور تشدید می‌شود؛ همسایگانی چون پاکستان در جنوب، ایران در غرب، چین در شرق و سه کشور آسیای مرکزی در شمال افغانستان. روسیه و هندوستان نیز گرچه همسایگان افغانستان نیستند اما وضعیت این کشور را تحت نظر دارند. آمریکا هم با وجود گرفتاری‌های عراق قصد ندارد به این زودی افغانستان را ترک کند.

به همان اندازه که افغانستان در معرض مداخله همسایگان خود بوده، این کشور نیز در امور کشورهای همسایه دخالت می‌کرده است. به عنوان مثال، هدف نهایی کابل ایجاد اتحاد میان پشتون‌های افغانستان و پاکستان بود که با اشغال این کشور از سوی شوروی رنگ باخت و آرمان مد نظر طالبان مبنی بر الحاق بخش‌هایی از ازبکستان (به‌ویژه بخارا) به افغانستان هرگز تحقق نیافت. از سوی دیگر تاجیک‌ها در جنگ داخلی تاجیکستان دخالت کردند و در سال ۱۹۹۲ به سید عبدالله نوری کمک نمودند تا در طالقان یک دولت در تبعید تشکیل دهد. فرماندهان محلی افغانستان نیز در مواقع دشوار به کشورهای همسایه گریخته و در موقع مناسب به کشور بازگشته‌اند. به طور مثال، اسماعیل‌خان بارها به ایران گریخت و عبدالرشید دوستم، رهبر ازبک‌های افغان، نیز چندین بار به ترکیه و ازبکستان پناه برد.

---

۱. شورشی بر ضد شوروی در دهه ۲۰ که در آسیای مرکزی اتفاق افتاد و به ورود بی‌شمار آوارگان ازبک به شمال افغانستان منجر شد.

اشغال افغانستان از سوی شوروی به آوارگی افغان‌ها و مقاومت فراگیر مردم انجامید. آواره شدن میلیون‌ها افغانی نوعی حس تعلق به سرزمین مشترک را برانگیخت اما موفق نشد آنها را در مقاومت علیه شوروی متحد کند. آنها یک دهه با نظامیان شوروی جنگیدند و سرانجام آنها را شکست دادند. البته این پیروزی محصول تلاشی متحد نبود. اقوام مختلف در هزاران میدان محلی با دشمن روبه‌رو شدند و در این میان از نظر موقعیت جغرافیایی، تاکتیک، استراتژی، سلاح، رهبری و حامیان خارجی با یکدیگر متفاوت بودند. نقطه اشتراک همهٔ آنها، دشمن واحد یعنی شوروی بود.

از آنجا که ساختارهای سیاسی و نظامی مقاومت یکدست نبود، مجاهدین افغان نمی‌توانستند پیروزی‌های محلی را به یک پیروزی ملی تبدیل نمایند. با عقب‌نشینی ارتش شوروی، جهاد نیز به پایان رسید. مجدداً نزاع بر سر قدرت محلی آغاز شد. برخی به دنبال فرصت‌های اقتصادی به‌ویژه کشت خشخاش و تجارت مواد مخدر رفتند و عده‌ای نیز تدابیر سیاسی مستقلی اتخاذ کردند. پاکستان، عربستان سعودی و ایران در صدد برآمدند که اقوام تحت حمایت خود در افغانستان را در قالب نیروی نظامی تجهیز نمایند تا بتوانند بر کابل مسلط شوند.[۴]

بنابراین گرچه افغانستان از اشغال شوروی آزاد گردید اما صلح در این کشور محقق نشد و چندین رهبر محلی برای خود قلمرو حکومتی برپا کردند. در دهه ۹۰، کشور صحنه بی‌قانونی، فساد، خشونت و فقر بود. با ورود طالبان به صحنه قدرت در ۱۹۹۳ افغانستان گرفتار جنگ داخلی شد. جنگ‌سالاران در مقابل پیشروی‌های طالبان عقب‌نشینی کردند. چهره‌های شاخص آنها در قالب گروهی بی‌ثبات تحت عنوان «اتحاد شمال» به یکدیگر پیوستند و در منطقه‌ای در شمال کشور ـ که روزبه‌روز از وسعت آن کاسته می‌شد ـ استقرار یافتند.

در این زمان بود که حادثه یازدهم سپتامبر رخ داد و متعاقب آن جنگ آمریکا علیه تروریسم آغاز گردید. طالبان در مقابل خواست آمریکا مبنی بر تحویل اسامه بن لادن، تسلیم نشد و اوضاع به گونه‌ای پیش رفت که حمله آمریکا به افغانستان اجتناب‌ناپذیر شد و به این ترتیب «عملیات آزادسازی ماندگار»[1] در هفتم اکتبر ۲۰۰۱ آغاز گردید.

در مجموع آمریکا با ۱۱۰ افسر سیا، ۳۱۶ نیروی ویژه و هوایی خود وارد عمل شد تا طالبان را سرنگون سازد.[۵] در «عملیات آزادسازی ماندگار» جنگ‌سالاران نقش مهمی ایفا نمودند. با وعده‌های مالی از آنها

1. Operation Enduring Freedom

خواسته شد که دست از جنگ با یکدیگر بردارند و با طالبان بجنگند. سازمان سیا توانست با اتکا به همین وعده‌ها موجب اتحاد عطا محمد (یکی از رهبران قوم تاجیک)، حاج محمد محقق (یکی از رهبران قوم هزاره) و عبدالرشید دوستم (یکی از رهبران قوم ازبک) شود. برای آنکه یک جنگ‌سالار طالبان دست از مبارزه بکشد باید مبلغ ۲۰۰/۰۰۰ دلار به وی پرداخت می‌گردید.(۶) در برخی مناطق به فرماندهان محلی وعده داده شد که در صورت کشتن اعضای القاعده یا طالبان، خودروهای مدل پیکاپ (قیمت حدود ۴۰/۰۰۰ دلار) دریافت خواهند کرد.(۷)

پس از اتمام عملیات، سیا لشکری موسوم به «لشکر مأموریت‌های ویژه»[1] (SAD) تشکیل داد. در حالی که امروز دولت آمریکا به سازماندهی و تعلیم ارتش افغانستان متعهد گردیده، باز هم «SAD» به جنگ‌سالاران محلی پول می‌دهد و از سربازان محلی به‌ویژه در نواحی جنوب و شرق کشور می‌خواهد که نیروهای القاعده را بیابند.

اسماعیل‌خان در هرات

هرات با حدود ۵۰۰۰ سال قدمت، مهد تاریخ و تمدن افغانستان است و ۲۰۰ مایل (بیش از ۳۰۰ کیلومتر مربع) مزارع حاصلخیز دارد.(۸) کشاورزی و تجارت این شهر، تضمین‌کننده اقتصاد غنی، هنر، معماری، فرهنگ و ادبیات آن است.

از دوران گذشته این شهر و نواحی اطراف آن بخشی از استان خراسان بود و سلسله صفویه اغلب از طریق فرمانداران دورانی[2] بر آن حکومت می‌نمود. به همین دلیل این منطقه به لحاظ اقتصادی از قدیم با ایران مناسبات تنگاتنگ داشته و هم اکنون برخی افراد این منطقه در ایران مشغول به کار هستند. در زمان جنگ علیه نیروهای شوروی، مالیات‌هایی که بر وجوه ارسالی این کارگران وضع می‌شد منبع مهمی از درآمد مجاهدین به شمار می‌رفت.(۹) در دوران پس از اشغال، دولت ایران گندم زارعان هرات را سه برابر قیمتی که به زارعان ایرانی می‌پرداخت، خریداری می‌کرد تا آنها را به ترک کشت خشخاش تشویق نماید(۱۰) و نیز جا پای ضعیف خود در کشور همسایه را حفظ کند. گرچه منافع ایران در هرات منافع ژئوپلیتیک است اما این کشور در سایر نقاط افغانستان و در قبال سه قوم تعهداتی دارد و به آنها کمک می‌کند:

۱ـ شیعیان هزاره: در پناهگاه‌های کوه‌های مرکزی هزارات زندگی می‌کنند و مدعی هستند که نسبت آنها به

---

1. Special Activities Division

2. Durrani

چنگیزخان می‌رسد.

۲ـ قزلباش‌ها: وارثان عصر حاکمیت نظامی نادرشاه هستند.

۳ـ افغان‌های ایرانی‌الاصل: در دشت‌ها و جلگه‌های ولایت نیمروز در غرب افغانستان ساکن هستند.[۱۱]

در زمان جنگ، نه ارتش شوروی و نه نیروهای مسلح «جمهوری دموکراتیک افغانستان» هیچ یک موفق نشدند کنترل کامل شهر را در اختیار گیرند. سرانجام ارتش شوروی برای مقابله با شورشیان هرات به بمباران این شهر متوسل شد که نتیجه آن ویرانی ۷۵٪ شهر هرات بود.[۱۲]

اسماعیل‌خان در سال ۱۹۴۶ در یک خانواده متوسط در شیندند متولد شد. او به قبیله درانی تعلق دارد و یک «تاجیک ریزنقش، خنده‌رو و فارس‌زبان»[۱۳] است که توانست در یک پادگان محلی در هرات به مقام سروانی نائل شود. وی در مارس ۱۹۷۹ از فرمان دولت کابل مبنی بر تیراندازی به تظاهرکنندگان مخالف دولت سرپیچی کرد. نیروهای تحت امر وی همراه با شورشیان به اعضای «حزب دموکراتیک خلق افغانستان»(PDPA)، افسران تحت فرمان حزب مذکور و مشاوران نظامی شوروی و خانواده‌هایشان حمله کردند و حدود ۳۵۰ شهروند شوروی را از پای درآورده، پادگان هرات را تسخیر نمودند. البته نیروهای دولتی توانستند ظرف چند روز و پس از نبردی سخت، هرات را باز پس گیرند.

فرار اسماعیل‌خان به ایران

اسماعیل‌خان در دوران اشغال افغانستان توسط روس‌ها به «جمعیت اسلامی» پیوست که حزبی اسلام‌گرا، عمدتاً تاجیک و تحت رهبری برهان‌الدین ربانی بود. هم اکنون این حزب دارای یک سازماندهی غیرمنسجم است و بنابراین فرماندهان محلی از استقلال و ابتکار عمل بسیار برخوردارند. در این اوضاع و احوال، اسماعیل‌خان تدابیر خاصی برای مبارزه اندیشید. از آنجا که این ناحیه (هرات) بسیار هموارتر و به لحاظ جمعیت متراکم‌تر از سایر نقاط کشور است. بنابراین برای جنگ‌های چریکی مناسب نمی‌باشد. لذا وی از تجربه خود به عنوان یک افسر ستاد ارتش استفاده کرد و الگوی نظامی خاصی طرح‌ریزی نمود. در ضمن ۹ کمیته را برای اداره امور غیر نظامی حکومت خویش تأسیس نمود که عبارتند از کمیته‌های نظامی، پزشکی، اداری، قضایی، کشاورزی، اطلاعات، آموزش و پرورش و تحقیقات.[۱۴]

یکی از اقدامات وی به عنوان یک رهبر مقاومت، برگزاری اجلاس فرماندهان ولایات در تابستان ۱۹۸۷ بود. ارتش شوروی تصمیم گرفته بود از کشور عقب‌نشینی کند و به همین دلیل از رهبری «PDPA» خواست طرحی برای آشتی ملی ارائه دهد. همزمان ۸ گروه شیعی مستقر در ایران از تشکیل اتحادی خبر دادند که

هدفش نشان دادن آمادگی و استحقاق مشارکت در گفت‌وگوهای سیاسی درباره آینده کشور بود. به عنوان مثال لشکر «حمزه خان» بالغ بر پنج تیپ بود که هر کدام از ۶ تا ۹ گردان ۲۰۰ نفره تشکیل می‌شدند؛ این گردان‌ها به نوبه خود متشکل از چند گروهان رزمی ۲۵ نفره بودند.(۱۵)

ظاهراً یکی از دستور کارهای اجلاس، تعیین راهکارهای همکاری نظامی در سراسر منطقه تحت کنترل اسماعیل‌خان بود. شرکت‌کنندگان این اجلاس، مواضع اسماعیل‌خان را در زمینه‌های گوناگون مورد تأیید قرار دادند. آنها عنوان «امیر جنوب غرب افغانستان» را برای اسماعیل‌خان برگزیدند اما پیشنهاد خان مبنی بر آشتی ملی و نیز تلاش رهبران در تبعید برای تحمیل هرگونه راه‌حل به فرماندهان را نپذیرفتند.(۱۶)

گرچه پس از آزادسازی، اسماعیل‌خان از سوی ایران و پاکستان شدیداً تحت فشار قرار گرفت اما این دوران در هرات، دوران صلح و صفا بود. «سازمان اطلاعات پاکستان»[1] (ISI) عقب‌نشینی شوروی را فرصتی برای راهیابی استراتژیک در افغانستان و برخورداری از موقعیتی ممتاز علیه هندوستان می‌دانست. آنچه این فرصت را تضمین می‌کرد، به قدرت رسیدن یک حاکم هوادار افغانستان بود و به همین دلیل پاکستان از اسماعیل‌خان می‌خواست که به کابل حمله کند. خان زیر بار این درخواست نرفت و بدین ترتیب سالانه مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ دلار دریافتی از «ISI»را از دست داد.(۱۷) ایران نیز می‌خواست که شیعیان شورای هرات از قدرت بیشتری برخوردار باشند و در این میان پناهندگان افغان مقیم ایران به داخل افغانستان هدایت شوند.(۱۸) اسماعیل‌خان تا سال ۱۹۹۲ کاملاً بر اوضاع تسلط یافت و کنترل پایگاه هوایی شیندند را ـ که روس‌ها ساخته بودند ـ در اختیار گرفت.

مداخله پاکستان در امور افغانستان تداوم یافت. اسلام‌آباد در صدد بود از خاک افغانستان به منزله معبری به آسیای مرکزی استفاده کند. کوتاه‌ترین راه عبارت بود از مسیر پیشاور تا کابل و از آنجا (پس از عبور از کوه‌های هندوکش) تا «مزار شریف» و «ترمز» و «تاشکند» در ازبکستان. اما با توجه به جنگ و درگیری در اطراف کابل این راه غیر ممکن می‌نمود. لذا یک مسیر جنوبی جایگزین مسیر قبلی شد. در مسیر جدید، کویته پاکستان نقطه مبدأ بود و عشق‌آباد ترکمنستان نقطه مقصد و قندهار و هرات نیز شهرهای میانی. در سپتامبر ۱۹۹۳ بی‌نظیر بوتو، نخست‌وزیر پاکستان، هیأتی عالی‌رتبه را به ریاست نصرالله بابر (وزیر کشور) نزد اسماعیل‌خان فرستاد تا مساعدت وی را برای این پروژه تضمین نماید.

در ازای این کار، اسماعیل‌خان می‌توانست از این جاده بهره‌برداری سیاسی و اقتصادی نماید. خان اعلام

---

1. Inter-Services Intelligence

آمادگی نمود مشروط بر اینکه امنیت این مسیر تضمین شود.[۱۹] بوتو در ۲۸ اکتبر ۱۹۹۳ از عشق‌آباد دیدار کرد و در آنجا با اسماعیل‌خان و عبدالرشید دوستم ملاقات نمود و آنها را به گشایش جاده جنوب تشویق کرد و گفت که آنها می‌توانند در ازای ورود و خروج هر کامیون مبالغی را به عنوان عوارض دریافت کنند، ضمن آنکه امنیت عبور و مرور وسایل نقلیه نیز تضمین خواهد شد،[۲۰] اما پیشروی‌های طالبان تمام نقشه‌ها را نقش بر آب کرد. از مارس ۱۹۹۵ به بعد، اسماعیل‌خان کاری جز مبارزه با طالبان نداشت. وی به کمک نیروهای «اتحاد شمال» چندین بار توانست توفیقاتی علیه طالبان به دست آورد اما به دلیل مجهز شدن ناگهانی طالبان به جنگ‌افزارهای مکانیزه، دیگر یارای مقابله نداشت. نداشتن تجهیزات کافی، امکانات پشتیبانی پراکنده و روحیه ضعیف سربازان از جمله دلایلی بودند که به عقب‌نشینی وی منجر شد. طالبان در اواخر ۱۹۹۵ هرات و پایگاه هوایی «شیندند» و ۴۱ فروند هواپیما و هلی‌کوپتر موجود در آن را تصرف نمود.[۲۱] از دست دادن هرات به منزله پایان عمر دولت برهان‌الدین ربانی (رئیس‌جمهور وقت) بود.

در نتیجه اسماعیل‌خان به ایران گریخت و هنوز چند ماه نگذشته بود که دوباره و این بار با جنگجویانی مجهز به کشور بازگشت. وی در سال ۱۹۹۷ در جریان یک درگیری توسط طالبان دستگیر و زندانی شد. پس از سه سال حبس از زندان گریخت و برای سومین بار به ایران پناه برد. اوایل سال ۲۰۰۱، خان بار دیگر عزم خود را جزم کرد و روانه جنگ شد.[۲۲]

در اکتبر ۲۰۰۱ هنگامی که جنگ تحت رهبری آمریکا علیه افغانستان آغاز گردید، اسماعیل‌خان در نزدیکی هرات بود.[۲۳] طالبان در اواسط نوامبر کابل را از دست داد و اسماعیل‌خان روز بعد در یک حمله ناگهانی، سربازان خود را ـ که بالغ بر ۴۰۰۰ نفر بودند ـ وارد هرات کرد و شهر را باز پس گرفت. مانند همیشه وی در یک کنفرانس خبری هیچ صحبتی از نقش آمریکا نکرد و فقط گفت: «بمباران آمریکایی‌ها در بعضی جاها مفید بود».[۲۴]

جنگ‌سالاران در افغانستان پس از جنگ

در دسامبر ۲۰۰۱ «ائتلاف تحت رهبری آمریکا» در بن تشکیل جلسه داد تا ضمن اعلان پایان جنگ در افغانستان، نوع نظام سیاسی این کشور را تعیین کنند. در این نشست حامد کرزای به ریاست دولت موقت منصوب شد.

پس از کنفرانس بن، در اوایل سال ۲۰۰۲ اجلاس «اعطاکنندگان توکیو»[1] برگزار شد که در آن جامعه بین‌الملل متعهد به پرداخت کمکی ۴/۵ میلیارد دلاری ظرف دو سال و نیم گردید.

نخستین بار که از افغان‌ها دعوت به عمل آمد تا در سرنوشت آینده خود سهیم باشند، هنگامی بود که در ژوئیه ۲۰۰۲ لویه جرگه در کابل تشکیل جلسه داد. تشکیل این مجمع، گامی به سوی دموکراسی بود. فرآیند انتخابات تمام قبایل، فرق و مذاهب را دربر می‌گرفت و زنان نیز می‌توانستند حضور یابند. بیش از ۱۵۰۰ نماینده به مدت ۹ روز به تبادل نظر پرداختند اما این ظاهر قضیه بود و در باطن، جنگ‌سالاران، صحنه‌گردانان واقعی این بازی بودند. یکی از نمایندگان معتقد است: «۸۵٪ از منتخبین لویه جرگه یا خود جنگ‌سالار بوده‌اند و یا به یک یا چند نفر از ایشان وابسته بوده‌اند».[۲۵] ازجمله مهم‌ترین آنها می‌توان به برهان‌الدین ربانی، اسماعیل‌خان، عبدالرسول سیاف، ژنرال معلم عطا، مولانا (اهل پروان)، ملا عزت و حاجی قادر اشاره کرد.[۲۶]

لویه جرگه، دولت کرزای را برای ۱۸ ماه به عنوان دولتی انتقالی برگزید و ۱۴ وزیر آن را ـ که از اقوام مختلف بودند ـ مورد تأیید قرار داد. همچنین جنگ‌سالاران توانستند در کابینه جایی برای خود بیابند. لذا می‌بینیم که محمد فهیم، جنگ‌سالار تاجیک اهل پنجشیر، به مقام وزارت دفاع می‌رسد و عبدالرشید دوستم، جنگ‌سالار ازبک اهل ولایات شمالی، به جانشینی وی دست می‌یابد و نیز یونس قانونی، تاجیک اهل پنجشیر، به وزارت آموزش و پرورش می‌رسد. در این میان گلبدین حکمتیار، جنگ‌سالار پشتون و نخست‌وزیر پیشین، در لویه جرگه شرکت نکرد و آشکارا سعی نمود آن را متزلزل نماید.

پس از چند ماه شکاف‌هایی در درون ساختار سیاسی آشکار گردید. در ژانویه ۲۰۰۲ میان سربازان وفادار به فهیم و سربازان وفادار به دوستم درگیری‌هایی در مزار شریف رخ داد. در ماه آوریل، فهیم در جلال‌آباد مورد حمله قرار گرفت و حکمتیار عامل این حمله شناخته شد و ۱۵۰ نفر از هوادارانش دستگیر شدند. در شرق کشور، حضرتعلی، حاجی عبدالقادر و حاجی محمد زمان بسیار تلاش کردند تا در ناحیه جلال‌آباد قدرت را به دست گیرند. گل آقا شیرازی (از قندهار) و برهان‌الدین ربانی با ریاست کرزای موافقت نکردند و بنابراین تهدیدات همچنان بالقوه باقی ماند و در نتیجه در ماه ژوئیه حاجی عبدالقادر غلزایی، یکی از سه معاون رئیس‌جمهور و وزیر هواپیمایی کشوری، کشته شد. بلافاصله بعد از این اتفاق، کرزای محافظان وزارت دفاع خود را بر کنار کرد و به جای آنها ۴۶ نفر از «نیروهای ویژه» آمریکایی را گمارد. این امر حاکی از آن بود که امنیت وی نیز جدا در معرض تهدید قرار دارد و دیگر اینکه وی به وزیر دفاع خود اعتماد ندارد. آمریکا

---

1. Tokyo Donors

ابتدا مایل نبود دامنه فعالیت «ایساف» (نیروهای بین‌المللی کمک به امنیت افغانستان[1]) بـه خـارج از محـدوده کابل گسترش یابد؛ کاری که می‌توانست به کاهش قدرت جنگ‌سالاران بینجامد. حتی پـس از قطعنامـه اکتبـر ۲۰۰۳ سازمان ملل ـ که به موجب آن وسعت حضور نیروهای این سازمان در مناطق مختلف افـزایش یافـت ـ باز هم غیاب این نیروها در ولایت کابل محسوس بود. در نتیجه هم اکنون ناامنی در نواحی روستایی افـزایش یافته است و مردم در دفع شر طالبان و جنگ‌سالاران به حال خود رها شده‌اند. اکنون حـدود دو میلیـون آواره افغان آسیب‌پذیرترین قشر هستند که وقتی به شهر و دیار خود باز می‌گردند مشاهده می‌کنند کـه شـبه‌نظامیـان وابسته به جنگ‌سالاران بیشتر منازل ایشان را اشغال کرده‌اند.

اسماعیل‌خان و بازسازی افغانستان

طی ۲۰ سال گذشته، اسماعیل‌خان نیروهایش را برای مقابله با ارتش شوروی، طالبـان و همتایـان جنگ‌سـالار رهبری کرده است. تنها با شناخت این پس زمینه است که می‌توان نقـش و موقعیـت وی را در شـرایط فعلـی مورد ارزیابی قرار داد. بزرگ‌ترین نقطه قوت وی موقعیت جغرافیایی هرات است که از آن بهره می‌برد. هرات با قدمتی ۵۰۰۰ ساله، مسیر تجارت و سیر و سفر جهانی است. جاده باسـتانی ابریـشم از رم تـا چـین از ایـن ناحیه عبور می‌کرده است. بوتو سعی داشت مسیری را از پاکستان تا آسیای مرکزی ایجـاد کنـد کـه جنـوب و غرب افغانستان از جمله هرات، در حد فاصل آن قرار داشت. امروز ۱۵۰/۰۰۰ نفر جمعیت هرات منتظرنـد تـا به زودی از طرح بلندپروازانه «خط انتقال گاز از افغانستان[2] (TAGP)» که از مسیر این شهر خواهـد گذشـت ـ بهره‌مند گردند. در این پروژه قرار است خطوط انتقال نفت و گاز از آسیای مرکـزی تـا پاکـستان بـه صـورت موازی و همراه آن شبکه ارتباطی فیبر نوری و بزرگراه احداث شود.[۲۷]

نزدیکی هرات به ایران از دیگر محاسن این منطقه است. ایرانیان مرزنشین با انجـام کارهـای خیرخواهانـه تأثیر مثبتی بر مردم هرات گذاشته‌اند. براساس تحقیقات، ایران از جمله کشورهایی است کـه در حـال اجـرای تعهد خود مبنی بر پرداخت کمک مالی ۵۶۰ میلیـون دلاری اسـت کـه در اجـلاس «اعطاکننـدگان توکیـو» بـه پرداخت آن متعهد شده بود و بیشتر این مبلغ صرف هرات می‌شود. به همین دلیل اکنون دیپلمات‌های ایران در کنسولگری افغانستان و نیز اعضای سپاه پاسداران انقـلاب اسـلامی در هـرات حـضور دارنـد. ایـران سـرگرم ساخت جاده‌ای است که هرات را به مشهد متصل می‌سازد. روزانه بین ۱۰۰ تا ۴۰۰ کامیون بین هرات و ایـران

---

1. International Security Assistance Forces
2. Trans – Afghan Gas Pipeline

تردد می‌کنند و توسط آنها کالاهایی شامل مواد خوراکی، اتومبیل‌های تعمیری از دبی و غیره وارد افغانستان می‌شود و به بازارهای محلی منتقل می‌گردد و از آنجا به پاکستان انتقال می‌یابد. براساس یک برآورد، روزانه بالغ بر ۵۰۰ دستگاه اتومبیل از دبی به هرات و از آنجا به پاکستان انتقال می‌یابد. آژانس امدادرسانی زیر نظر سازمان ملل، کامیون‌های خود را از مسیر بزرگراه عبور می‌دهد؛ هرچند این آژانس یک بار موقتاً این عملیات را متوقف نمود و دلیل آن را تعرفه‌های سرسام‌آور گمرک اعلام کرد. حصول تعرفه‌های ترانزیت کالا از جمله عواملی است که موجب شده هرات از جمله غنی‌ترین مناطق و اصلی‌ترین مرز ورود به کشور باشد و اسماعیل‌خان بر این راه تجاری پر رونق سایه افکنده است. او که به‌حق از روند کنونی بازسازی منطقه (در سال‌های پس از جنگ) سرشار از غرور است، می‌گوید: «در سابق جهاد، شمشیر بود و حالا عرق جبین».(۲۸) گزارش‌ها حاکی از آن است که وی سالیانه از عایدات گمرک رقمی بین ۶۰ تا ۸۰ میلیون دلار دریافت می‌کند و خودداری وی از تسلیم درآمدهای حاصل از این مالیات همواره عامل خشم دولت ملی در کابل بوده است. او در مارس ۲۰۰۳ از ایران دیدن کرد و وقتی به کشورش برگشت، وعده‌های ایران برای همکاری در زمینه احداث جاده و راه آهن، توسعه آموزش و پرورش، بهداشت عمومی، امنیت مرزی و بازگشت آوارگان را به ارمغان آورد.

آمریکا نیز مانند ایران نسبت به اسماعیل‌خان بیش از اندازه نرمش نشان داده است. البته واشنگتن مدیون اسماعیل‌خان است زیرا در جنگ با طالبان، به همراه دوستم در شمال، شیرازی در جنوب و حضرتعلی در شرق از جمله متحدان ارزشمند آمریکا بود و مناسبات حسنه‌ای را با افسران نظامی آمریکا برقرار کرده بود. امروزه نیز آمریکا به همه این افراد نیازمند است. سرتیپ دوم «دن مک‌نیل»،[1] فرمانده آمریکایی مسئول نیروهای ائتلاف، می‌گوید: «در آینده نزدیک رهبران محلی می‌توانند تا حدی امنیت و ثبات را در گوشه و کنار کشور تأمین کنند، هر چند ممکن است عده‌ای آنها را قبول نداشته باشند و یا ایشان را به گذشته‌ای شرم‌آور متهم کنند».(۲۹) دونالد رامسفلد، وزیر دفاع آمریکا، در تعریف از اسماعیل‌خان اغراق کرده و گفته است: «وی آدمی جالب، متفکر، موقر و دارای اعتماد به نفس است».(۳۰)

این واقعیت که آمریکا هنوز برای دستگیری افراد طالبان و القاعده به جنگ‌سالاران نیازمند است، بر اسماعیل‌خان پوشیده نیست و بی‌جهت نیست که وی مرتباً یادآوری می‌کند که آمریکا به ما نیاز دارد و تا امروز تنها ۵٪ از نیروهای القاعده دستگیر شده‌اند. القاعده هنوز یک تهدید به شمار می‌رود و باید به مقابله با

---

1. Dan McNeill

آنها برخاست و او بارها این نکته را تکرار کرده است. توانایی وی برای جلوگیری از بروز دشمنی میان آمریکایی‌ها و ایرانیان و نافرمانی همزمان از کابل را نمی‌توان صرفاً ناشی از استقلال مالی وی دانست. حتی این توانایی ناشی از برخورداری او از یک ارتش مجهز هم نیست؛ ارتشی که ۳۰/۰۰۰ نیروی قوی دارد و از ارتش نامنظم کابل (با همین تعداد نفرات) بهتر عمل می‌کند.[۳۱]

اسماعیل‌خان به لحاظ مالی تأمین است و نیازی ندارد که برای جمع‌آوری پول به زورگویی به مردم متوسل شود. او برخلاف دوستم پیوند و اتحاد سیاسی خود را تغییر نداده است و برخلاف فهیم، قانونی و ربانی جاه‌طلبی ملی نیز ندارد. وی بر خلاف دیگر جنگ‌سالاران به طرق مختلف برای خود وجهه‌ای قابل قبول ساخته است که از جمله این روش‌ها می‌توان به برقراری روابط خوب با رسانه‌ها (برای برقراری تماس و انجام مصاحبه با وی)، برپایی نشست‌های هفتگی، دعوت از روشنفکران محلی برای جویا شدن از دیدگاه‌ها و توصیه‌های ایشان، تأسیس مدرسه، بیمارستان و غیره اشاره نمود. ضمناً وی برخلاف تمام جنگ‌سالاران نقض حقوق بشر را در منطقه تحت حکومت خویش نفی نکرده است و این گونه استدلال می‌کند که چون طالبان علیه تاجیک‌ها دست به اعمال وحشیانه زده‌اند، اکنون مورد انتقام قرار می‌گیرند.

در اوایل ژوئیه ۲۰۰۲، میان نیروهای اسماعیل‌خان و نیروهای امان الله خان (فرمانده پشتون ولایت فراه) نبردهای سهمگینی رخ داد. کانون این نبردها «شیندند» بود؛ ناحیه‌ای که تاجیک‌ها بر شمال غربی و پشتون‌ها بر جنوب شرقی آن چیره بودند. این نزاع اجتناب‌ناپذیر بود و تحلیلگران سیاسی دلایلی برای این جنگ ذکر کرده‌اند که عبارتند از:

۱ـ اختلافات میان دو جنگ‌سالار؛

۲ـ اختلافات قومی تاجیک‌ها و پشتون‌ها؛

۳ـ اختلاف و درگیری میان ایران و پاکستان؛

۴ـ برهم زدن امنیت شیندند؛ زیرا این منطقه کانون خط انتقال گاز بود. در نتیجه کنسرسیوم‌های نفتی نمی‌توانند از منطقه‌ای که دچار اوضاع نامطمئن و پرکشمکش است، کسب درآمد کنند؛

۵ـ اقدام آمریکا برای به دست گرفتن کنترل پایگاه «شیندند».

پیش به سوی افغانستانی متحد

در اکتبر ۲۰۰۲، «کمیسیون دفاع از سرزمین مادری» مقام فرماندهی کل قوای نیروی مسلح را به کرزای واگذار کرد و هیأتی نیز از شخصیت‌های برجسته نظامی تشکیل داد. این اقدامات تداعی‌کننده این نکته بود که فهیم،

وزیر دفاع، در رأس ساختار دفاعی نباشد بلکه صرفاً یکی از اعضای هیأت نظامی باشد. این کمیسیون همچنین وعده داد که نمایندگانی از قومیت‌های مختلف در نیروهای مسلح حضور داشته باشند.

همزمان طرح بلندپروازانه‌ای موسوم به «DDR» [1] به منظور از خدمت مرخص کردن شبه‌نظامیان جنگجو، خلع سلاح و به کارگیری ایشان در مشاغل نظام‌مند مطرح گردید. جنگ‌سالاران تحت برنامه «DDR» ملزم بودند که شبه‌نظامیان خود را در اختیار «نیروهای ویژه آمریکا» قرار دهند تا توسط آنها آموزش ببینند و آماده پیوستن به «ارتش ملی افغان» [2] شوند. همچنین آنها موظف شدند که پس از استقرار نیروهای مسلح ملی در سراسر کشور، نیروهای خصوصی خود را منحل نمایند. براساس تخمین‌های وزارت دفاع افغانستان، در حال حاضر آمار شبه‌نظامیان خصوصی ۶۰/۰۰۰ نفر می‌باشد که تا اواخر سال ۲۰۰۴ تنها ۱۰/۰۰۰ نفر از ایشان سلاح‌هایشان را تحویل داده بودند.(۳۲) امروز «ارتش ملی افغان» تنها ۱۶/۰۰۰ نیرو از ۷۵/۰۰۰ نیروی مورد نیاز خود را در اختیار دارد.(۳۳) علت آن نیز وجود برخی موانع بر سر راه تشکیل ارتش ملی است. از جمله مهم‌ترین این موانع، عدم تمایل آمریکا به خلع سلاح جنگ‌سالاران است زیرا آمریکاییان نیازمند حفظ امنیت و جنگ با القاعده در سراسر کشور هستند و تنها جنگ‌سالاران نواحی دورافتاده و مناطق سخت جغرافیایی می‌توانند به آنها در راستای رسیدن به این اهداف کمک کنند.

برپایه برخی گزارش‌ها، کرزای در خلال دیدار رامسفلد از کابل در مه ۲۰۰۳ طرحی مبنی بر مقابله با برخی جنگ‌سالاران به وزیر خارجه آمریکا پیشنهاد داد اما رامسفلد از آن استقبال نکرد.(۳۴) طرح پیشنهادی آمریکا برای بهبود ساختار داخلی امنیت افغانستان این بود که در کنار «نیروهای ویژه آمریکایی»، «گروه‌های بازسازی ولایتی» [3] (PRT) تشکیل شود. نیروهای «PRT» به امر تعلیم ارتش، پلیس، نیروی گشت بزرگراه، نیروهای مرزی و محافظان پرداختند. از آنجا که نیروهای «PRT» مستقیماً تحت نظر نیروهای آمریکایی اداره می‌شوند، برای عملیات‌های خود نیازی به صدور قطعنامه جدید «شورای امنیت» ندارند. اکنون که کرزای به شکل رسمی به عنوان رئیس‌جمهور برگزیده شده، می‌تواند نقش بیشتری را برای نیروهای «PRT» در نظر بگیرد زیرا نیروهای «PRT» مانند نیروهای ایساف به نواحی دورافتاده و مستعد درگیری اعزام نشده‌اند.(۳۵)

البته سازمان ملل نیز روی خوشی به این طرح نشان نداد. «مانوئل دو آلمیدا سیلوا» [4] سخنگوی «هیأت امدادرسان سازمان ملل در افغانستان»، می‌گوید: «قرار نیست مسئله ترخیص شبه‌نظامیان از خدمت متوقف

---

1. Demobiolize, Disarm and Reintegrate
2. Afghan National Army (ANA)
3. Provincial Reconstruction Teams (PRT)
4. Manoel de Almeida e Silva

شود.» اما وی می‌افزاید طرح «DDR» نباید چنان به کندی پیش رود که باعث شود شبه‌نظامیان همیشه و همه جا حضور داشته باشند. البته مسائل دیگری نیز بر سر راه اجرای طرح «DDR» وجود دارد. به عنوان مثال چگونه می‌توان نسلی را که غیر از جنگ کار دیگری نیاموخته‌است به مشاغل نظام‌مند ترغیب نمود. یا پیوستن به نیروهای ملی دفاعی گزینه‌ای است که چندان مورد توجه همگان نیست و به لحاظ اقتصادی نیز قابل اتکا نمی‌باشد زیرا وقتی حقوق ماهیانه یک فرد در این گونه مشاغل ۵۰ دلار باشد مگر می‌توان انتظار داشت که کسی ترک خدمت نکند؟[۳۶]

اساسی‌ترین ضربه به طرح «DDR» سرپیچی جنگ‌سالاران از خلع سلاح شبه‌نظامیان خود بود زیرا:

۱ـ نیروهای ایساف باید فقط در کابل حضور داشته باشند و هیچ نیروی دیگری نمی‌توانست جنگ‌سالاران را وادار به خلع سلاح شبه‌نظامیانشان کند و در صورت سرپیچی آنها را مجازات نماید.

۲ـ از آنجا که جنگ‌سالاران با یکدیگر در نزاع بودند بنابراین به شبه‌نظامیان خود نیاز داشتند.[۳۷]

کرزای درباره این موضوع جانب احتیاط را رعایت می‌کند. او یقیناً خواهد توانست شبه‌نظامیان پیشین را تعلیم و تجهز نماید و آنها را به یک ارتش ملی تبدیل کند. اکنون این سؤالات مطرح است که آیا او می‌تواند از تعصبات قومی بکاهد؟ آیا کرزای می‌تواند از چند دستگی نیروهای ارتش جلوگیری کند؟ در اینجا باید گفت، کرزای ممکن است ارتشی به وجود آورد که تحت شرایط نامطلوب از هم بپاشد مانند ارتش چند قومیتی یوگسلاوی که بر اثر فشار برخی حوادث به سادگی از هم پاشید. از این بدتر آنکه چنین ارتشی ممکن است دچار چند دستگی و در نتیجه جنگ داخلی شود.

در ۱۵ دسامبر ۲۰۰۲ دستوری از سوی رئیس‌جمهور صادر شد که براساس آن هیچ مقام نظامی یا غیر نظامی اجازه نداشت هم در امور نظامی مسئولیت داشته باشد و هم در امور غیر نظامی. بنابراین والیان و فرماندهان ارتش یا پلیس باید در محدوده اختیارات خود عمل می‌کردند. به اسماعیل‌خان نیز گفته شد که در امور رسمی و دولتی دیگر از لقب «امیر جنوب غرب افغانستان» استفاده نکند.[۳۸]

در ماه‌های بعد کابل آنقدر احساس قدرت کرد که بتواند فرمانروایان محلی را بیش از پیش در تنگنا قرار دهد. در مه ۲۰۰۳، کرزای والیان مختلف را به کابل دعوت کرد و در اقدامی مخاطره‌آمیز تهدید نمود که اگر درآمد ولایت‌ها به کابل ارسال نشود، استعفا خواهد داد و خواهان تشکیل لویه جرگه جدیدی خواهد شد. در نتیجه توافقنامه‌ای میان والیان و دولت امضا و تصویب گردید. در ژوئیه ۲۰۰۳ اشرف غنی، وزیر اقتصاد، به هرات اعزام شد و در آنجا اسماعیل‌خان ۲۰ میلیون دلار درآمد آن ولایت را برای واریز به خزانه دولتی تسلیم

وی نمود. پول‌ها داخل هواپیما گذاشته شد و به کابل انتقال یافت. وزارت اقتصاد اعلام نمود که سال پیش از آن ۵۵ میلیون دلار ـ که بیشتر حاصل درآمدهای گمرکی بود ـ جمع‌آوری گردیده اما تنها بخشی از آن به حکومت مرکزی فرستاده شده است.[۳۹]

در پی این ماجرا مبارزه‌ای علیه فهیم، اسماعیل‌خان و گل‌آقا در ولایت قندهار شکل گرفت. آنچه میان این سه نفر مشترک می‌باشد ظاهراً حمایت محلی از آنها و داشتن روابط نزدیک با ایران است. در ژوئیه ۲۰۰۳ عطا محمد (اهل ولایت مزار شریف) به سمت والی بلخ منصوب گردید و حضرتعلی (اهل جلال آباد) ریاست پلیس ننگرهار و خان محمد (اهل قندهار) ریاست پلیس ولایت خود را برعهده گرفتند.[۴۰]

در ۱۲ اوت، کرزای فرمانی صادر کرد که براساس آن اسماعیل‌خان از مقام نظامی خلع و ژنرال باز محمد احمدی به سمت فرماندهی سپاهیان هرات گمارده شد. اسماعیل‌خان در این زمینه گفت: «اگر دولت مرکزی بخواهد مرا برکنار کند، به مسجد جامع خواهم رفت و این مسئله را با مردم در میان خواهم گذاشت. یا شاید از طریق تلویزیون با مردم صحبت کنم. به مردم خواهم گفت که می‌خواهم بروم و شما والی جدیدتان را خود انتخاب کنید و مطمئنم که مردم اجازه نخواهند داد من بروم». او بدین طریق کرزای را به مبارزه طلبید اما کرزای صلاح دید از این هماوردطلبی چشم بپوشد و بدین ترتیب اسماعیل‌خان همچنان در مقام والی هرات باقی ماند.[۴۱]

فرمان دیگر کرزای به برکناری گل‌آقا شیرازی از ولایت قندهار و انتصاب وی به وزارت شهرسازی انجامید. سپس تغییرات وسیعی درون سلسله مراتب فرماندهی وزارت دفاع صورت گرفت. در یک اقدام فوری، ۲۲ مقام برجسته این وزارت ـ که همگی از اعضای «اتحاد شمال» بودند ـ برکنار شدند و به جای آنها افرادی از نظامیان حرفه‌ای با قومیت‌های مختلف بر سرکار آمدند.[۴۲]

در سپتامبر ۲۰۰۳ هنگامی که کرزای در حال دیدار از آمریکا و اتحادیه اروپا بود،[۴۳] برخی گزارش‌ها حاکی از آن بود که فهیم با برخی جنگ‌سالاران ملاقات کرده و تصمیم گرفته است از حکومت ائتلافی کنار بکشد. با افشای این موضوع، فهیم ملاقات با آنها را انکار نکرد و گفت این ملاقات‌ها به منظور گفت‌وگو درباره «منافع ملی» صورت گرفته است. وی گفت: «من معاون اول رئیس‌جمهور و وزیر دفاع او بوده و هستم». ضمناً وی از نامزدی کرزای برای تصدی ریاست‌جمهوری در انتخابات بعدی استقبال ننمود.[۴۴] گفته می‌شود فهیم یک ارتش خصوصی مرکب از ۵۰۰۰ نیرو دارد که بیشتر آنها در دره پنجشیر و برخی نیز در کابل مستقرند. او با لحنی تقریباً ملامت‌آمیز از کرزای می‌پرسد: «چرا وی سربازان مرا جذب ارتش ملی افغان (ANA)نمی‌کند و حقوقشان را نمی‌پردازد؟ چرا باید وقتی این همه سرباز، ژنرال و فرمانده داریم، باز هم

قصد تربیت نیروهای جدید را داشته باشیم؟» وی حتی با بیانی مخالفت‌آمیز ادامه می‌دهد: «من به عنوان وزیر دفاع افغانستان می‌توانم به شما قول بدهم که اصلاً شبه‌نظامی خصوصی ندارم. هر سلاحی که دارم به وزارت دفاع تعلق دارد و این سلاح‌ها تنها به منظور حفاظت بهتر در پنجشیر نگهداری می‌شوند».(۴۵) این مطلب نقطه اوج تقابل کرزای و جنگ‌سالاران، وزرا و والیان است. کرزای در جریان مبارزه انتخاباتی، فهیم را به سمت معاون اول خود انتخاب نکرد. برخی معتقدند این اقدام کرزای به دلیل خودداری فهیم از استعفای فوری از مقام معاونت رئیس‌جمهور و وزارت دفاع به منظور کسب آمادگی برای شرکت در مبارزه انتخاباتی می‌بود.

در مارس ۲۰۰۴ میر ویس صادق، پسر اسماعیل‌خان و وزیر هوانوردی، طی یک درگیری در هرات کشته شد. اسماعیل‌خان، ژنرال ظاهر نایب‌زاده را مسبب آن دانست و گفت وی باید در کابل مجازات شود و «اگر وی به مجازات نرسد، خود تصمیم مقتضی را خواهم گرفت». او از تصمیم دولت برای اعزام ۱۵۰۰ سرباز برای برقراری نظم در هرات خشمگین بود و گفت: «ما در اینجا امنیت داریم و نیازی به سرباز نداریم. این یک ماجرای سیاسی است». در مه ۲۰۰۴ و در آستانه دیدار کرزای از هرات، اسماعیل‌خان علیه طرح «DDR» عزم خود را جزم کرد و در مصاحبه‌ای اظهار نمود: «خلع سلاح مجاهدین که به تحقق امنیت در افغانستان کمک می‌کنند، منجر به بی‌ثباتی می‌شود». او هشدار داد که ارتش نوپای افغان ضعیف‌تر از آن است که خلأ به وجود آمده در قدرت را پرکند.(۴۶)

در اوت ۲۰۰۴ میان نیروهای اسماعیل‌خان و نیروهای امان‌الله خان جنگی تازه درگرفت (بیش از دو سال آنها با یکدیگر درگیر نشده بودند). کرزای در این باره موضعی قاطع اتخاذ کرد و گفت: «اسماعیل‌خان والی قانونی هرات است و حمله به او حمله به دولت افغانستان می‌باشد». بنابراین کرزای بیش از ۱۰۰۰ نفر از اعضای ارتش ملی ـ که توسط نیروهای آمریکایی تعلیم یافته بودند ـ و نیز ۳۰۰ پلیس تعلیم‌یافته توسط آلمان را به هرات اعزام کرد.(۴۷) جنگ به مناطق نزدیک مانند قیلا[1] شیندند و چیشتی[2] گسترش یافت. با اعلام آتش‌بس، تظاهرکنندگان هوادار خان به خیابان‌های هرات ریختند. اوایل سپتامبر نیز در حدود ۶۰ رهبر قومی به مقصد کابل به راه افتادند و اظهار کردند: «ما تصمیم داریم کرزای را ببینیم و به وی بگوییم که اسماعیل‌خان رهبر معنوی و قهرمان ماست. ما تنها از طریق وی از دولت انتقالی حمایت می‌کنیم».(۴۸)

از آن به بعد هر لحظه انتظار می‌رفت رویارویی نهایی اتفاق افتد. در ۱۲ سپتامبر دولت اعلام کرد که خان از سمت والی هرات خلع و به سمت وزیر صنایع و معادن در دولت مرکزی گمارده می‌شود. همان روز سید

---

1. Qila
2. Chishti

محمد خیرخواه به عنوان والی هرات، وارد این شهر شد و عهده‌دار امور گردید.[۴۹] مردم هرات به دلیل برکناری رهبرشان دفاتر امدادرسانان را به آتش کشیدند و با نیروهای امنیتی درگیر شدند. در نتیجه سازمان ملل تعدادی از کارمند خارجی خود را به کابل انتقال داد و حدود ۵۰ کمک‌رسان خارجی این شهر آشوب‌زده را ترک کردند. اسماعیل‌خان سرانجام در تلویزیون محلی ظاهر شد که گفته می‌شود بنا به درخواست زلمای خلیل‌زاد، سفیر وقت آمریکا در افغانستان، صورت گرفته است. او گفت این جابه‌جایی «بخشی از یک روال منظم و طبیعی» است و از مردم خواست صبور باشند و آرامش خود را حفظ نمایند. وی همچنین ارتش ملی را به دلیل تیراندازی مستقیم به جمعیت و کشتن مردم بی‌گناه مورد انتقاد قرار داد.[۵۰]

درضمن خان منکر این مسئله شد که انتشار و توزیع پوسترهای یونس قانونی (سرسخت‌ترین رقیب کرزای در انتخابات ریاست‌جمهوری) در شهر هرات به معنای حمایت وی از قانونی بوده است. او گفت: «هنوز مبارزه انتخاباتی آغاز نشده و من نیز تصمیم نگرفته‌ام که از چه کسی حمایت کنم».[۵۱] مدت‌ها پیش از آن، شایعات گسترده حاکی از آن بود که اسماعیل‌خان با گلبدین حکمتیار به نوعی تفاهم رسیده است.

سؤالات و نتیجه‌گیری‌ها

زندگی مبارزاتی اسماعیل‌خان از جهات گوناگون بسیار حائز اهمیت است. با بررسی موشکافانه آن می‌توان پیچیدگی موقعیت افغانستان را بهتر درک نمود و شناخت بهتری از مراکز قدرت در افغانستان به دست آورد.

نام خان هنگامی بر سر زبان‌ها افتاد که وی به عنوان یک جنگجوی مقاومت علیه شوروی می‌جنگید. او ده سال تمام نیروهایش را در چندین نبرد رهبری کرد. وی یک استراتژیست نظامی بود و ساختار نظامی ترتیب داد که بیشتر مناسب منطقه‌ای نسبتاً هموار بود. اسماعیل‌خان اقدامات نظامی خود را با شبکه‌ای گسترده از فرماندهان همتای خود هماهنگ می‌نمود و همزمان در نواحی آزادشده نیز کسانی را به اداره امور می‌گمارد.

دهه ۸۰ دهه جنگ علیه روس‌ها، دهه ۹۰ دهه جنگ با طالبان و اوایل سال ۲۰۰۰ نیز زمان شرکت در عملیات تحت رهبری آمریکا موسوم به «عملیات آزادسازی ماندگار» بود. اسماعیل‌خان طی دوران پس از جنگ، موقعیت و جایگاه خود را تثبیت نمود و رهبری قلمرو تحت نفوذ خود را برعهده گرفت. او نهادهای شبه‌دولتی را ـ که از اقتدار شبه‌نظامی دولتی برخوردار بودند و به ارائه خدمات می‌پرداختند ـ تحت کنترل خود درآورد. این سیستم، درآمد خود را از راه اخذ وجوه گمرکی و غیره فراهم می‌نمود و نیازی به دریافت وجه از مردم نداشت.

دولت مرکزی که در کابل کم‌کم به انسجام درونی دست می‌یافت، بر توان مدیریتی خویش افزود و لذا

مشروعیتی کامل برای خود فراهم نمود. این دولت در دسامبر ۲۰۰۲ از اسماعیل‌خان خواست که دیگر لقب افتخارآمیز «امیر جنوب غرب افغانستان» را در اداره امور رسمی و اجرایی به کار نبندد. در ژوئن ۲۰۰۳ وزیر اقتصاد دیداری پیروزمندانه از هرات به عمل آورد و از خان مبالغی را به عنوان درآمد آن ولایت اخذ و به «خزانه‌داری مرکزی» منتقل نمود. در اوت ۲۰۰۳ خان از مقام فرماندهی نظامی خود خلع گردید. در سپتامبر ۲۰۰۴، او از سمت والی هرات نیز برکنار شد. از آنجا که وی از پذیرش وزارت صنایع و معادن امتناع کرد، اکنون خان یک شهروند عادی است.[1]

هرات نیز به عنوان مکان و پایگاه قدرت خان، خود مستلزم یک بررسی عمیق‌تر است. غالباً فرض می‌شود که جنگ‌سالاران در حواشی و مناطق پیرامونی کشور ـ که فاقد قانون و نظم است ـ فعالیت می‌کنند. سلاح، مواد مخدر و منابع طبیعی گران‌قیمت مانند الماس از عوامل مورد نیاز مبادلات تجاری و اعمال قدرت در این مناطق هستند. حکومت مرکزی هر چند عاجز و ناتوان، هنوز منبع هویت ملی و کرسی اقتدار است. ضمن آنکه باز هم در مقایسه با حکومت‌های محلی، توسعه‌یافته‌تر، منظم‌تر و سازمان‌یافته‌تر است اما هرات این گونه نیست. این ولایت یک نقطه دورافتاده در کشور نمی‌باشد و مردم آن از استانداردهای بهتر زندگی، تحصیلات بالاتر و مدیریت پاسخگو برخوردار بوده‌اند. این منطقه ۵۰۰۰ سال است که در مسیر جاده کهن ابریشم قرار گرفته و نیز نزدیک ایران و بر سر راه خط انتقال گاز است که از آسیای میانه شروع و پس از عبور از افغانستان به پاکستان ختم می‌شود. در این اوضاع و احوال، خان یک سیاست خارجی بالفعل را با کشورهای هم مرز و نیروهای حاضر آمریکایی در داخل کشور طرح و تعقیب نمود. لذا می‌بینیم که اسماعیل‌خان یک بازیگر تمام‌عیار در سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است. او از این موقعیت جغرافیایی بسیار بهره برد؛ هر چند گاه با فشار و تقاضاهای کشورهای همسایه دست به گریبان می‌شد.

اکنون این سؤالات مطرح می‌گردد که:

۱ـ آیا او می‌تواند همچنان فاصله میان خود با ایران و آمریکا را حفظ نماید؟

۲ـ آیا می‌تواند از مزیت رابطه همزمان با این دو کشور به مثابه اهرمی علیه کابل بهره جوید؟

۳ـ آیا می‌توان اسماعیل‌خان را یک مهره سوخته دانست؟

۴ـ پس از وی آینده سایر جنگ‌سالاران چه خواهد شد؟

واقعیت آن است که جنگ‌های داخلی و تجزیه اجتماعی در کشورهایی که حکومت‌هایشان نتوانسته‌اند از

---

۱. البته وی اکنون در کابینه کرزای به عنوان وزیر نیرو مشغول کار است.

عهده اداره کشور برآیند، لاجرم زمینه ظهور جنگ‌سالاران را فراهم می‌آورد، خواه این کشور کنگو باشد، سیرالئون، سومالی یا لیبریا. به طور کل عواملی چون کشت خشخاش، قاچاق مواد مخدر، قاچاق اسلحه، رشوه و در اختیار قرار گرفتن منابع کمیاب از سوی افرادی معدود، باعث می‌شود که جنگ‌سالاران حیات خود را در تداوم بی‌ثباتی بدانند.[۵۲] بیش از یک ربع قرن جنگ‌سالاران افغان در جریان جنگ و خشونت به موفقیت دست یافتند. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا «ارتش ملی افغان» خواهند توانست به دفاع از مرزها، برقراری امنیت داخلی و تقویت انسجام اجتماعی بپردازد و بدین طریق جنگ‌سالاران را خلع سلاح نماید؟ در حقیقت گاهی اوقات ارتش‌ها به انسجام اقشار گوناگون جامعه و گروه‌های مختلف قومی در قالب یک ملت کمک می‌کنند و گاهی ارتش به عنوان ابزاری برای سلطه، پاکسازی و یا حتی نسل‌کشی قومی به کار گرفته می‌شود.[۵۳]

اکنون ارتش افغان نیازمند زمان بسیار زیاد و نیز شرایط لازم است تا بتواند از عهده وظایفش برآید. حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا افغانستان خواهد توانست در یک چارچوب زمانی معقول به یک نظام سیاسی فراگیر با دولتی کارآمد تبدیل شود؟ در پاسخ باید گفت تجربیات پیشین به ارزیابی‌های گوناگون می‌انجامد. کسانی که خوش‌بین هستند کوزوو و تیمور شرقی را مثال می‌زنند. در این دو منطقه انتقال قدرت به مرور صورت می‌گرفت و رفته‌رفته بر حجم و سرعت آن افزوده می‌شد. در ابتدا وزرا تحت نظر بودند تا درست عمل کنند، بعد مسئولیت‌ها به تدریج واگذار می‌شد و همین مراقبت و واگذاری تدریجی قدرت، زمینه را برای عملکرد مثبت وزرا فراهم آورد.[۵۴] کسانی که بدبین هستند لبنان را به یاد می‌آورند که چگونه کاهش و محدودیت قدرت رهبران محلی در این کشور باعث شد این کشور فاقد یک حکومت کارآمد باشد و نشانه آن نیز کنترل مؤثری است که سوریه بر نهادهای سیاسی ـ امنیتی لبنان دارد.

سؤال دیگر این است که آیا افغانستان انتقال موفقیت‌آمیز و ملایم قدرت را پشت سر خواهد گذاشت یا اینکه آمریکا قدرت اصلی را در اختیار خواهد داشت؟ در پاسخ باید گفت البته به نظر نمی‌رسد آمریکا آنقدرها هم از مراکز محلی قدرت بیزار باشد. واقعیت آن است که واشنگتن به جنگ‌سالاران نیاز دارد. آنها در مناطق مختلف مسئول نظم و اجرای قانون و اداره امور هستند و کمک می‌کنند که اعضای طالبان و القاعده دستگیر شوند. ضمناً به حفظ این خیال باطل کمک می‌کنند که کشور از یک نظم اجتماعی ـ سیاسی متکثر برخوردار است. به علاوه قدرتمندی جنگ‌سالاران به این امر کمک می‌کند که از قدرت کرزای کاسته شود تا وی مطیع سیاست‌ها و اولویت‌های مورد نظر آمریکا باشد.

از جمله عواملی که نقش و اهمیت یک جنگ‌سالار را مشخص می‌کند، مسئله زمان و مکان است. در

افغانستان و نیز در سومالی، سازمان‌های امدادرسان باید با آنها همکاری کنند تا بتوانند کمک‌های بشر دوستانه را به افراد نیازمند برسانند و این یعنی تقویت قدرت جنگ‌سالاران. جنگ‌سالاران خود را ضامن امدادرسانی (اساساً کمک‌های غذایی) معرفی می‌کنند و بدین طریق بر محبوبیت خویش می‌افزایند و ضمن حفظ شبکه مالیاتی، منابع حاصله را صرف توان نظامی خود می‌کنند.[۵۵] در قضیه صربستان جنگ‌سالاران به جای آنکه به قاچاق در مرزها بپردازند، نقش ارائه‌کنندگان خدمات را برعهده گرفتند.

«چارلز تیلور»[۱] ـ که به عنوان یک جنگ‌سالار به طور مخفیانه (اقتصاد زیرزمینی) به قاچاق الوار و سنگ آهن می‌پرداخت ـ پس از آنکه به ریاست کشور رسید، رسماً به صدور این کالاها ادامه داد. بنابراین جنگ‌سالاران نشان داده‌اند که هر جا اقتضا کرده، توانسته‌اند ماهرانه نقش‌های مختلفی را بر عهده گیرند، بنابراین پدیده جنگ‌سالاری شایسته توجه جدی‌تر و نظام‌مندتر است.

---

1. Charles Taylor

اسماعیل‌خان، مسئله هرات و نفوذ ایران

توماس اچ. جانسون[1]

مقدمه

انتخابات مجلس ملی افغانستان که قرار است در سپتامبر ۲۰۰۵ برگزار شود، از نظر آمریکا نقش مهمی در افزایش مشروعیت کابل و تقویت اقتدار آن برای برخورد با مشکلاتی چون تندروی‌های خشونت‌آمیز، باند بازی، مواد مخدر و حقوق بشر خواهد داشت. به علاوه این انتخابات می‌تواند حاکی از گسترش اقتدار کابل به سایر ولایات باشد. با این وجود، ناآرامی‌های اخیر افغانستان بار دیگر این سؤالات را مطرح کرده است که:

۱ـ آیا این کشور خواهد توانست این انتخابات را با موفقیت برگزار کند؟

۲ـ آیا این انتخابات از سوی صاحبان قدرت و سیاستمداران افغانستان و نیز همسایگان این کشور مورد حمایت قرار می‌گیرد؟

در این نوشتار به مسئله یکی از این صاحبان قدرت یعنی اسماعیل‌خان و رابطه وی با ایران پرداخته شده است زیرا در اینکه اسماعیل‌خان با ایران دارای روابط و مناسبات مهمی است، تردیدی وجود ندارد.

اسماعیل‌خان یک فارسی‌زبان تاجیک و اهل تسنن است که در مارس ۱۹۷۹ در مقام یک سرگرد ارتش

1. Thomas H. Johnson

افغانستان علیه انقلاب ثور[1] (انقلاب آوریل) رژیم تَرَکی[2] قیام کرد که به قتل عام مشاوران افغانی شوروی و خانواده‌های آنها منجر شد. این شورش، واکنش خشونت‌آمیز شوروی و حکومت افغان را موجب گردید و که ظرف یک هفته به کشته شدن حدود ۲۴/۰۰۰ نفر از مردم هرات و تخریب بخش بزرگی از این شهر انجامید.

ده سال بعد اسماعیل‌خان جنگ چریکی سختی علیه شوروی به راه انداخت.(۵۶) به‌رغم همه ویرانی‌ها اسماعیل‌خان سرانجام توانست سلاح‌های غیر قانونی را در سه ولایت غرب افغانستان جمع‌آوری کند، اداره این سه ولایت را برعهده گیرد و موجب بهبود وضعیت بهداشت و آموزش و پرورش آنها شود. در سال ۱۹۹۲ یعنی دو سال پس از خروج شوروی از افغانستان، شبه‌نظامیان اسماعیل‌خان، هرات را باز پس گرفتند و خان خود را امیر غرب افغانستان نامید.

در مارس ۱۹۹۵ طالبان ولایات نیمروز و فراه را تصرف نمودند و به سمت «شیندند» پیشروی کردند اما خان به کمک [احمد شاه] مسعود آنها را عقب راند. اندکی بعد خان به سمت جنوب به راه افتاد و در قندهار به طالبان حمله کرد اما طالبان توانست به کمک سازمان اطلاعات پاکستان (ISI) و نفرات جدیدی از مدارس دینی این کشور، تجدید قوا نماید. همزمان عبدالرشید دوستم، ژنرال ازبک، نیز با طالبان متحد شد و نیروی هوایی وی هرات را بمباران کرد که در نتیجه خان عقب‌نشینی نمود و طالبان نیروهای وی را نابود کردند.

اسماعیل‌خان و ۸/۰۰۰ نفر از نیروهایش در سپتامبر ۱۹۹۵ پس از سقوط هرات، به مشهد گریختند، سپس در اکتبر ۱۹۹۶ به افغانستان بازگشتند و اسماعیل‌خان در ولایت بادغیس با دوستم متحد شد.

سرانجام طالبان در مه ۱۹۹۷ پس از خیانت ژنرال عبدالمالک، یکی از معاونان دوستم، توانستند خان را که به مزارشریف رفته بود تا با دوستم دیدار و گفت‌وگو نماید، دستگیر کنند. اسماعیل‌خان پس از دستگیری به زندانی در قندهار فرستاده شد. وی در مارس ۱۹۹۹ توانست به کمک دو نگهبان طالبان ـ که پیشتر از مجاهدین بودند ـ به ایران بگریزد. پس از یازدهم سپتامبر و آغاز جنگ علیه طالبان، اسماعیل‌خان به هرات بازگشت و پس از فرار طالبان مجدداً این شهر را به تصرف خود درآورد. اسماعیل‌خان مانند یک ارباب تمام‌عیار بر هرات حکومت می‌کرد و حکومت مرکزی کابل، دل خوشی از وی نداشت و به او بی‌اعتماد بود. وی در هرات رهبری مستقل و پرطرفدار بود. خان در گذشته و حال از دشمنان قسم‌خورده طالبان بوده و در دوران جنگ مجاهدین علیه روس‌ها، در زمره برجسته‌ترین و مؤثرترین فرماندهان قرار داشته است. او از زمان

---

1. Sawr Revolution (اصلاحات ارضی و آزادسازی اجتماعی افغانستان که توسط «ترکی» انجام شد.)
2. Taraki

سرنگونی طالبان تا این اواخر که توسط حامد کرزای از ولایت هرات، برکنار شد، کرزای و دولت مرکزی وی را تحقیر کرده و از ارسال مالیات و درآمدهای گمرکی به کابل خودداری نموده است. گرچه او سابقه منفی چندانی ندارد اما اخیراً سازمان «دیده‌بان حقوق بشر» او و رهبران شبه‌نظامی‌اش را به اتهام دستگیری‌های خودسرانه، بازداشت‌های غیر قانونی و رفتار طالبانی با اشخاصی که آداب اسلامی را جدی نمی‌گیرند، مورد انتقاد قرار داده است. شاید خان سنگدل باشد اما در دوران جنگ با شوروی تلاش می‌کرد تا جایی که ممکن است از هرگونه انتقام و خون‌ریزی جلوگیری شود. به علاوه وی از نظر سوابق قتل عام و وحشی‌گری به پای سایر فرماندهان نمی‌رسد. همچنین شواهدی دال بر مشارکت وی در تولید یا قاچاق مواد مخدر (کاری که بسیاری از جنگ‌سالاران افغان انجام می‌دهند) وجود ندارد. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که آیا این واقعیات بدین معنی است که خان از مدافعان دموکراسی غربی است؟ البته پاسخ این سؤال منفی است اما مسئله مهم این است که نداشتن بی‌رحمی‌های نظامی و عدم مشارکت وی در تولید یا تجارت مواد مخدر از ویژگی‌هایی است که در رهبران افغان کمتر به چشم می‌خورد.

هرات و ایران

هرات که قرن‌ها جولانگاه ترک‌ها و ایرانیان بوده، مهد تاریخ و تمدن افغانستان است. این شهر که دارای پیوندهای تاریخی با ایران می‌باشد، در گذشته یکی از مسیرهای تجاری «جاده ابریشم» به شمار می‌رفت. هرات را غالباً هم بهترین و هم بدترین مثال برای افغانستانِ پس از جنگ [با شوروی] بر شمرده‌اند. موقعیت ممتاز جغرافیایی و ثروت ناشی از این موقعیت از یک سو و احترامی که مردم هرات برای اسماعیل‌خان قائل هستند از سوی دیگر، باعث شده است تا هرات از یک وضعیت استثنایی برخوردار باشد. خان، جاده‌ها را مجدداً آسفالت کرده و به ساخت مدارس، بهبود وضعیت پارک‌ها، پاکسازی خیابان‌ها و بازسازی بناهای یادبود اقدام کرده است. این اقدامات مرهون درآمدهای گمرکی است که وی از مرز پر تردد این کشور با ایران دریافت می‌کند؛ درآمدهایی که دولت کرزای آن را متعلق به حکومت مرکزی می‌داند.[۵۷] گزارش بی‌بی‌سی حاکی از آن است که ماهیانه میلیون‌ها دلار مالیات جمع‌آوری می‌شود که از این میزان تنها بخش اندکی به کابل ارسال می‌گردد.[۵۸]

بخش زیادی از موفقیت خان در این واقعیت نمایان است که هرات اکنون پر رونق‌ترین شهر افغانستان است و این امر ناشی از آن است که این شهر در تقاطع خلیج‌فارس و آسیای مرکزی و در همسایگی ایران و ترکمنستان قرار دارد. خان و حکومت تحت امر وی به طور قابل ملاحظه‌ای شهری را که در خلال جنگ با

شوروی و طالبان تقریباً ویران شده بود، احیا کرده‌اند.(۵۹) «لوتز کِلِومن»[1] در این باره می‌گوید: «خان وضعیت امنیتی، آموزشی و معیشتی مردم را در هرات بهبود بخشیده که در مقایسه با سایر نقاط کشور بی‌سابقه است».(۶۰)

ایران از قدیم روابط نزدیکی با هرات داشته است و احتمالاً صرف نظر از جایگاه اسماعیل‌خان، این نوع روابط در آینده نیز ادامه خواهد یافت. ایران حدود ۴۰۰ مایل (۶۵۰ کیلومتر) مرز مشترک با غرب افغانستان دارد و تهران همواره نوعی تعلق خاطر به هرات داشته و خان نیز طی سال‌های گذشته از این نکته به نفع خود استفاده کرده است؛ سال‌هایی که ایران منابع چشمگیری در اختیار وی قرار داده است تا با روس‌ها و طالبان مبارزه کند.(۶۱) دهها سال است که خان نوعی بده بستان با ایران دارد. ایران در زمان «جنگ» علیه ارتش شوروی، سوخت، مهمات و سلاح در اختیار خان قرار می‌داد و در مقابل این امکان را می‌یافت که از «شیندند» به عنوان پل هوایی برای ارتباط با شیعیان «هزاره» استفاده نماید. خان در طول مبارزه با طالبان نیز مقادیر قابل توجهی کمک مادی از ایران دریافت کرد.

خان تنها فرمانده و رهبر افغان نیست که از ایران کمک‌های بسیاری دریافت کرده است. ایران همواره با طرف‌های نزاع در افغانستان در ارتباط بوده است. به عنوان مثال این کشور در مسلح ساختن «اتحاد شمال» نقش بارزی ایفا نموده است. ژنرال محمد فهیم (وزیر دفاع افغانستان و معاون رئیس‌جمهور) و سایر رهبران تاجیک ـ که اکنون وزارتخانه‌های کلیدی دولت مرکزی را در اختیار دارند ـ در طول چندین سال مبارزه با طالبان به حمایت ایران تکیه داشته‌اند(۶۲) و بسیاری از این وزرا مشمول لطف ایران (نخستین کشوری که سفارت خود را در کابل بازگشایی کرد) بوده‌اند.(۶۳)

از زمانی‌که دولت کرزای در کابل مستقر گردید، وزارت خارجه ایران مسافرت‌هایی را برای برخی اعضای کلیدی دولت کرزای از جمله ژنرال فهیم (وزیر دفاع)، عبدالله عبدالله (وزیر خارجه)، یونس قانونی (وزیر کشور) و عارف سروری (رئیس امنیت ملی) ترتیب داده است. یک منبع برجسته دولت افغان می‌گوید: «بیشتر فرماندهان «اتحاد شمال» در زمانی که هیچ حمایت بین‌المللی برای آنها وجود نداشت، بدون کمک‌های ایران نمی‌توانستند دست به عملیات بزنند. تقریباً خانواده‌های تمام فرماندهان مهم افغان در ایران زندگی می‌کنند و بیشتر آنها در مدارس دینی تحصیل کرده‌اند».(۶۴)

پس از شکست طالبان، بسیاری از همسایگان افغانستان برای کسب منافع به دخالت در امور این کشور

---
1. Lutz Kleveman

پرداختند. در آن زمان گزارش‌ها حاکی از آن بود که از نوامبر تا دسامبر ۲۰۰۱ ایران حداقل بیست کامیون پول نقد در اختیار اسماعیل‌خان قرار داد تا بدین وسیله وفاداری او و نیروهایش را در هرات نسبت به ایران تضمین نماید.(۶۵)

همچنین در طول این دوران ایران مقادیر زیادی سلاح به اسماعیل‌خان واگذار نمود که این مسئله باعث شد آمریکا در ژانویه ۲۰۰۲ مقرّ خان را هدف موشک‌های کروز قرار دهد که بر اثر آن ۱۸ نفر از نیروهای اسماعیل خان جان باختند.(۶۶) در حال حاضر دولت بوش شدیداً از نفوذ ایران در افغانستان نگران است.

اسماعیل‌خان؛ یک رهبر مستقل و ملی‌گرای منطقه‌ای یا غلام حلقه به گوش ایران

نگرانی آمریکا از نفوذ ایران بر اسماعیل‌خان بر این فرض استوار است که ایرانی‌ها اسماعیل‌خان را تحت حمایت خود قرار داده‌اند. حال باید دید آیا این نگرانی بجاست؟ سیاست در افغانستان براساس منافع شخصی جنگ‌سالاران تعریف شده است و رهبران افغان مانند خان با فرد یا گروهی متحدی می‌شوند که بیش از دیگران بتواند به آنها کمک کند. در واقع افغان‌ها به نقض پیمان و تغییر دادن متحدان خود مشهورند. بخش افغانستان‌شناسی «سازمان اطلاعات پاکستان» (ISI) شعاری دارد که این نکته را به‌خوبی نشان می‌دهد: «شما نمی‌توانید یک افغان را بخرید، فقط می‌توانید او را اجاره کنید».

صرف نظر از انگیزه‌ها، در حقیقت ایران در مبارزه علیه شوروی و طالبان به مردم هرات و غرب افغانستان و نیز «اتحاد شمال» کمک کرده است. به علاوه ایران نه تنها مکانی امن برای اسماعیل‌خان تبعید شده بود،(۶۷) بلکه در خلال جنگ با ارتش شوروی پذیرای بیش از دو میلیون آواره افغان بود و بر خلاف پاکستان به این آوارگان اجازه داد تا در جامعه ایران ادغام شوند. ایرانی‌ها در طول تاریخ افغان‌ها را به مثابه خویشاوندان فقر زده خود می‌دانسته‌اند و افغان‌ها نیز به همسایه قدرتمند خود نگاهی توأم با ظن و تردید داشته‌اند.

اسماعیل‌خان نشان داده که یک ملی‌گرا مصلحت‌گرای افغان بوده و از نفوذ خارجیان متنفر است. البته خان رابطه‌اش را با ایران کم اهمیت جلوه می‌دهد و می‌گوید: «این یک حقارت است که ما به کمک‌های خارجی وابسته باشیم. پس از آن همه تجاربی که روس‌ها و پاکستانی‌ها در کشور ما به دست آوردند، سایر کشورها باید بدانند که در قبال کمک‌هایشان نمی‌توانند در امور داخلی ما دخالت کنند».(۶۸)

در واقع خان مایل نیست تحت حمایت یک نیروی خارجی قرار گیرد. به عنوان مثال خان از تابستان ۱۹۸۶ گروه‌های اهل سنت (و نه شیعی) حزب‌الله را ـ که در حوالی هرات فعال بودند و تحت حمایت ایران قرار داشتند ـ منحل نمود.(۶۸) او همچنین در زمان جهاد علیه نیروهای نظامی شوروی، جنگجویان داوطلب

عرب را که در غرب کشور فعال بودند، نفی بلد نمود زیرا ایشان دچار تعصبات شدید و نفرت از سنن افغان شده بودند[۷۰] و این در حالی بود که هیچ فرمانده دیگری این کار را نکرده بود. البته خان در زمان جنگ با ارتش شوروی، از نفوذ پاکستان و رهبران مجاهدین ـ که این مسئله را پذیرفته بودند ـ بیزار بود. پس از آزادسازی هرات از دست طالبان، یک گروه مسلمان شیعه به نام «حزب وحدت» ـ که تحت حمایت ایران قرار داشت ـ از دست خان خشمگین بود زیرا به‌رغم تلاش مشترک آنها در سرنگونی طالبان هیچ یک از مناصب حکومتی در هرات به ایشان سپرده نشد. خودداری خان از سهیم کردن «حزب وحدت» در حکومت می‌تواند نشانه عدم تمایل وی به نفوذ سیاسی گروه‌های تحت حمایت ایران در هرات باشد.

به گزارش خبرنگاران، تاکنون حتی یک دلار از کمک‌های وعده داده شده جامعه بین‌الملل به هرات نرسیده است. با این حال به‌رغم کمک‌های فراوان ایران به هرات، خان معتقد است: «مردم هرات تمایل ندارند که ایران در سیاست‌های افغانستان دخالت کند».[۷۱]

خان روابط خود را با ایران کم اهمیت جلوه می‌دهد و می‌گوید: «ایرانیان همسایگان خوبی هستند فقط همین!» و اضافه می‌کند که دو کشور دارای ۶۵۰ کیلومتر مرز مشترک هستند و هر روز تجار زیادی از این مرز تردد می‌کنند. وی این مسئله را می‌پذیرد که: «ایران نیز مانند دیگر کشورها مجاهدین افغان را یاری کرده است.» اما اتهام دریافت سلاح از ایران را تا سال ۲۰۰۲ تکذیب می‌کند.[۷۲]

خان در برابر این سؤال که «آیا او مهره ایران در افغانستان است؟» پاسخ می‌دهد: «باید خیلی صریح این نکته را خاطر نشان شوم که در طول ۲۳ سال جنگ داخلی و خارجی افغانستان، تنها ایران و چین در حمایت از ما ثابت قدم بودند اما درباره رابطه میان ما و ایران تا به حال دروغ‌های مغرضانه و تحریفات بسیاری شنیده‌ایم. ما برای ایران احترام زیادی قائلیم. این کشور در زمان جهاد و مقاومت، از ما حمایت نموده است و ایرانیان از این نظر هیچگاه دچار تردید و دودلی نشدند. شما نیز باید این نکته را در نظر داشته باشید که ما افغان‌ها هیچ‌گاه کمک‌های خارجی را از یاد نمی‌بریم. همچنین ما از طریق «اسلام قلعه» و «دوغارون» [میان هرات و مشهد] با آنها رابطه تجاری داریم، ایران میزبان بیش از سه میلیون آواره افغان است و به نحو شایسته از آنها مراقبت می‌کند. ما اکنون در حال بازسازی کشور هستیم و در این راه به کمک دوستانمان به ویژه ایران نیازمندیم اما این بدان معنا نیست که استقلالمان را از دست بدهیم و یا آنها بر ما نفوذ داشته باشند. من مطمئنم که ایرانیان قصد حمله به کشور ما یا طرح‌هایی از این قبیل ندارند و البته اگر چنین تصمیمی داشته باشند، دچار خطای بزرگی خواهند شد».[۷۳]

خان همیشه به عنوان یک حاکم مستقل عمل کرده است. او از «جمعیت اسلامی» و برهان‌الدین ربانی نیز سلاح و کمک‌های دیگری دریافت می‌کرد اما اجازه نمی‌داد بر او نفوذ داشته باشند. بسیاری از مشکلات

موجود ظاهراً ناشی از این واقعیت هستند که وی آشکارا از کرزای متنفر است و این مسئله را مخفی نمی‌کند. با این وجود خان آنقدر مصلحت‌اندیش هست که بتواند نقش نهایی کابل را در آینده افغانستان تشخیص دهد و از این‌رو هنگامی که فرزندش (میر ویس صادق) به سمت وزارت کار و امور اجتماعی دولت کرزای منصوب شد، از مخالفت‌هایش با کرزای دست برداشت.

به‌رغم مصلحت‌اندیشی خان و اعلام وی مبنی بر استقلال و عدم تأثیرپذیری از خارج، آمریکا نگران دخالت ایران در امور افغانستان است. برخی گزارش‌ها از جمله گزارشی که در وب سایت «Insight on the News» منتشر گردیده، می‌گوید: «طبق گزارش‌های اطلاعاتی در جریان حملات هوایی آمریکا به گروهان ۱۷ ارتش طالبان در ولایت هرات در سال ۲۰۰۱، سه افسر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران کشته شده‌اند. این ولایت اکنون تحت حاکمیت اسماعیل‌خان است. در حال حاضر، ده سردار ایرانی با لباس افغان‌ها از مشاوران خان هستند و به نظر می‌رسد که خان در حال برنامه‌ریزی برای تشکیل «فدراسیون غربی» کشور است که می‌تواند حاکمیت کابل را به چالش کشاند.»(۷۴) شاید برای برخی این مسئله عجیب باشد که ایرانیان در دوران حضور آمریکا در افغانستان و نبرد «اتحاد شمال» علیه طالبان، به امر مشاوره خان اشتغال دارند. گرچه خان خود را «امیر» غرب افغانستان می‌خواند و مجدانه و آشکارا رهبری کابل را به چالش می‌کشاند، با این حال هیچگونه شواهدی وجود ندارد که نشان دهد وی در صدد است تا فدراسیونی مجزا تحت عنوان «فدراسیون غربی» تشکیل دهد یا هرات را آلت دست ایرانیان گرداند.

میراث سیاست منطقه‌ای افغان

افغانستان همواره کشوری قبیله قبیله و جزء جزء بوده است و کابل به عنوان پایتخت این کشور، نفوذ کمی بر ولایات داشته است. اسماعیل‌خان و سایر رهبران از قبیل ژنرال دوستم(۷۵) ـ که بارها کنترل کابل را بر شهر مزار شریف به چالش کشیده‌اند ـ همچنین اسماعیلی‌ها (متحدان دوستم) در «پلخمری»،[1] تاجیک‌ها در شمال شرقی و پشتون‌های صاحب‌نفوذ در ولایات شرقی برای خود «تیول»[2]هایی فراهم کرده‌اند. این حوزه‌ها، مدت‌ها بر سیاست افغانستان نفوذ و سیطره داشته‌اند و این مسئله خود را در رهبری ولایات نشان داده است. در قرن ۱۹ یک دیپلمات انگلیسی به نام «سر هنری راولینسون»[3] افغانستان را این گونه توصیف می‌کند:

---

1. Pul-I- Khumri

۲. منطقه‌ای تحت حاکمیت یک شخص که وی آن را از طریق ارث یا به زور به دست آورده است.

3. Sir Henry Rawlinson

«افغانستان صرفاً کشوری است متشکل از چند قبیله که به لحاظ قدرت و عادات، از یکدیگر متمایزند و تحت حکومت یک حاکم در کنار یکدیگر به سر می‌برند. احساس میهن‌پرستی آن گونه که در اروپا وجود دارد، درمیان افغان‌ها وجود ندارد زیرا احساس هویت خود را در درجه اول بر قومیت قرار داده‌اند».

تکه تکه بودن افغانستان و پیچیدگی این کشور چالش‌های ویژه‌ای را فرا روی بازسازی آن و برقراری صلح، ثبات و امنیت در عصر پس از طالبان قرار داده است. برای شناخت افغانستان باید به این واقعیت توجه داشت که هویت‌های گروهی، مناسبات و ائتلافات، بر پایه تعلقات قومی ـ زبانی است. از مهم‌ترین اقوام افغانستان می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۱ـ پشتون‌ها: به لحاظ سنتی گروه قومی مسلط بوده‌اند و حکومت افغان در گذشته ابزاری برای سلطه پشتون‌ها بوده است.

۲ـ تاجیک‌ها: دومین گروه قومی ـ زبانی مهم هستند که فارسی‌زبان و فاقد مناسبات قبیله‌ای می‌باشند. آنها در هرات و ولایات غربی کشور سکونت دارند.

۳ـ ازبک‌ها، هزاره‌ها، نورستانی‌ها، بلوچ‌ها و براهویی‌ها.

امروز همزیستی مسالمت‌آمیز گروه‌های مختلف تحت تأثیر ۲۵ سال نبرد ـ که در آن اعمال وحشیانه فراوانی از سوی یک گروه علیه گروه دیگر صورت می‌گرفت ـ از میان رفته و هر یک از این گروه‌ها بر مناطق و محلات خاصی تسلط دارند.

البته باید نسبت به این تجزیه قومی ـ زبانی حساس بود اما نمی‌توان انتظار داشت که حکومت پس از طالبان در کابل در یک دوره کوتاه‌مدت بتواند کنترل بسیار چشمگیری بر روابط محلی و منطقه‌ای اعمال نماید. کابل فقط می‌تواند در کوتاه‌مدت یا میان‌مدت نقش یک میانجی خوب را در اختلافات مناطق مختلف افغانستان ایفا کند و این تمام آن چیزی است که می‌توان با نگاهی واقع‌بینانه انتظار داشت.

بد نیست بدانیم که در طول «انقلاب ثور» در اواخر دهه ۷۰، کمونیست‌های افغانی تحت حمایت شوروی تلاش کردند تا برخی سیاست‌های توسعه را نهادینه کنند و از جمله آنها اصلاحات ارضی بود که هیچ گونه توجهی به واقعیات و روابط محلی و قومی ـ منطقه‌ای نداشت. این سیاست‌ها به شکست فاحش و ناآرامی مدنی و قیام اولیه اسماعیل‌خان انجامید. بنابراین هر طرح بازسازی که در کابل برنامه‌ریزی شود، در صورتی که به واقعیات محلی توجه نداشته باشد و بر مناطق دیگر تحمیل گردد، یقیناً به سرنوشت اصلاحات داخلی دچار خواهد شد. هدف بازسازی باید احیای زیر ساخت‌های اقتصادی و اجتماعی منطقه‌ای با توجه به ویژگی‌های محلی و بومی باشد نه اینکه این طرح‌ها از سوی حکومت مرکزی تحمیل شوند. این امر از این

مزیت برخوردار است که رقابت را بر سر کنترل دولت مرکزی کاهش داده و به رهبران محلی همچون اسماعیل خان اجازه می‌دهد که ضمن مشارکت در روند حفظ صلح، از مزایای آن نیز برخوردار گردند. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که بیشتر مردم از گروه‌های قومی و قبیله‌ای و مقامات محلی تبعیت می‌کنند.(۷۶)

وقایع اخیر

رابطه خان و کرزای یک شاخص بسیار مطلوب برای سنجش موفقیت دولت آینده افغانستان است. در نگاه بسیاری از افراد، خان یکی از موانع اصلی بر سر راه تلاش‌های کرزای در زمینه افزایش نفوذ و اقتدارش به خارج از کابل می‌باشد. اگر این تصور واقعیت داشته باشد، ماه‌های گذشته را باید شاخصی از وخامت اوضاع دانست.

در ۲۱ مارس ۲۰۰۴ (۲ فروردین ۱۳۸۳) در هرات میان نیروهای اسماعیل‌خان و نیروهای وفادار به حکومت مرکزی نزاعی خونین در گرفت. آنچه شعله این درگیری را روشن کرد، گزارش یک سوء قصد نافرجام به جان اسماعیل‌خان بود که طی آن فرزند وی «میر ویس صادق» (وزیر هوانوردی) کشته شد.(۷۷) این درگیری ـ که از سقوط طالبان در اواخر سال ۲۰۰۱ تا آن زمان در هرات بی‌سابقه بود ـ هنگامی رخ داد که میر ویس صادق، در تلاش برای یافتن مسببان ترور نافرجام پدرش، به قتل رسید.

در حالی که این اتفاق به صورت‌های مختلف بیان شده، نشریه «New Yorker» این واقعه را از زبان کارکنان سازمان ملل در افغانستان، این گونه شرح می‌دهد:

«مدتی بود که تنش میان خان و یکی از رقبای سرسخت وی به نام ژنرال عبدالظاهر نایب‌زاده گسترش یافته بود. نایب‌زاده از سوی دولت مرکزی به مقام فرماندهی لشکر هفدهم منصوب شده بود و لذا کنترل پادگان نظامی افغان‌ها در هرات را بر عهده داشت. پسر اسماعیل‌خان با خبر شده بود که تروری نافرجام علیه پدرش صورت گرفته و لذا به سوی منزل ژنرال به راه افتاد. محافظان نایب‌زاده اتومبیل میر ویس صادق را هدف گلوله قرار دادند و او و چند نفر دیگر را از پای درآوردند. به گزارش سازمان ملل، اسماعیل‌خان به سختی از مهاجمان انتقام گرفت و با به آتش کشیدن مقرّ محلی شبه‌نظامیان افغان، بسیاری از آنها را کشت. برخی گزارش‌های مطبوعاتی تعداد کشته‌شدگان را ۱۰۰ نفر و بلکه بیشتر می‌دانند و برخی مطبوعات چاپ کابل تعداد کشته‌شدگان را نزدیک به ۲۰ نفر می‌دانند. طبق گزارش سازمان ملل عده‌ای خواستار آن بودند که کرزای با خان تماس تلفنی برقرار نماید تا شاید اوضاع آرام شود. در روزهای بعد یک لشکر از ارتش ملی

افغان متشکل از ۱۵۰۰ سرباز به هرات اعزام شدند تا آرامش را به این شهر بازگردانند».[۷۸] این گزارش همچنین می‌افزاید: «ممکن است خان در برخورد با دولت مرکزی سرکش‌تر شود».[۷۹]

به نقل از بی‌بی‌سی، کرزای در خلال دیدار از هرات از خان تقاضا کرده است که نیروهایش در راستای برنامه ملی خلع سلاح، سلاح‌های خود را تحویل دهند.[۸۰] کرزای همچنین به خان گفته که اجازه ندارد شبه‌نظامیان خصوصی خود را همچنان در اختیار داشته باشد.

امسال حامد کرزای برای مبارزه با جنگ‌های جناحی و خلع سلاح شبه‌نظامیان منطقه‌ای سه مرتبه سربازانی را از ارتش جدید افغانستان به هرات گسیل نموده است. در اواخر ژوئیه ۲۰۰۴ (اوایل تیر ۸۳) نیز سربازان افغان همراه با مربیان نظامی آمریکایی به ولایت غور اعزام شدند تا این منطقه را تحت کنترل حکومت مرکزی درآورند اما این اقدامات به منظور تحمیل اقتدار کابل بر ولایات و خلع سلاح شبه‌نظامیان توفیق چندانی نداشته است.

نتیجه‌گیری

اسماعیل‌خان را نمی‌توان به طور قطع دشمن آمریکا دانست. یک مقام آمریکایی می‌گوید: «خان در مقایسه با سایر ولایات ثبات و امنیت بیشتر و بهتری را برای مردم هرات به ارمغان آورده و شانس پیروزی وی در انتخابات این ولایت بیش از دیگران است. اما او هرات را تیول شخصی خود می‌پندارد و با حمایت صریحی که از ایران به عمل می‌آورد، بسیاری از مقامات آمریکا را نگران ساخته است». گفته می‌شود که وی در پاییز ۱۳۸۲ هرات را «بهترین الگوی یک کشور اسلامی در جهان خوانده است».[۸۱]

خان ده‌ها سال است که در غرب افغانستان حضوری دائم دارد و از محبوبیت بسیار زیادی نزد نیروهایش برخوردار است. همان گونه که احمد رشید می‌نویسد: «کمتر فرمانده‌ای از وجهه و اعتبار اسماعیل‌خان برخوردار است و کمتر مردمی به اندازه مردم هرات در جنگ علیه ارتش شوروی تلفات داده‌اند».[۸۲] گرچه اسماعیل‌خان بی‌عیب و نقص نیست اما توانسته ولایت هرات را به نحو شایسته‌ای اداره نماید و احترام مردم را نسبت به خود برانگیزد. این یک واقعیت است که هرات تحت رهبری خان بیش از سایر ولایات افغانستان از رشد و بالندگی برخوردار بوده است.

اسماعیل‌خان با ایران روابط چشمگیری دارد و احتمالاً در آینده نیز این روابط ادامه خواهد داشت؛ واقعیتی که در پرتو تاریخ افغانستان یا پیشینه شخص خان نباید تعجب‌برانگیز باشد. اینکه او تحت کنترل ایران و یا غلام حلقه به گوش تهران باشد، چندان قابل قبول نیست. خان بارها و بارها استقلال و نیز انزجار خود را

نسبت به نفوذ خارجیان نشان داده است. در ژوئیه ۱۹۸۷ خان در ولایت غور با فرماندهان نظامی ملاقات کرد تا نشان دهد که چه اندازه به استقلال فرماندهان مجاهدین از نیروهای خارجی اهمیت می‌دهد. بیش از ۱۰۰۰ فرمانده از سراسر افغانستان در این اجلاس شرکت جستند و آن قطعنامه‌ای ۲۰ ماده‌ای به تصویب رسید که مهم‌ترین بند آن این بود که آنها و نه رهبران پیشاور جنبش سیاسی را هدایت کنند. «حق تعیین سرنوشت آینده افغانستان در دستان وارثان شهدا و مسلمانان سنگرنشینی است که در جبهه‌های خون و آتش با روحیه شهادت‌طلبی مشغول مبارزه‌اند. هیچ کس حق ندارد در سرنوشت این ملت دخالت نماید».

گرچه اسماعیل‌خان از روابط خود با ایران به نفع هرات بهره خواهد برد اما اجازه نخواهد داد که ایران یا هر کشور دیگری جای او را به عنوان «امیر» غرب افغانستان بگیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. جنگ‌سالاران به کسانی گفته می‌شود که مایل و قادرند با زور و تهدید، قدرت دولت مرکزی را به چالش کشیده و نوعی حکومت نسبتاً مستقل بر شهروندان تحت سلطه خود اعمال کنند و آنها را به وفاداری به خود و نه دولت فرا خوانند. در این زمینه مراجعه شود به:

Stephen Chan, "The Warlord and Global Order" in Paul B. Rich, ed., Warlords in International Relations, (Macmillan Press, Houndsmill, 1999), p.164.

2. Ali A. Jalali, "Clashes of Ideas and Interests in Afghanistan", paper given at the Institute of World Politics, Washington D. C, July 1995, pp.3-4. Quoted in Ali Ahmad Jalali and Lester W. Grau, Afghan Guerrilla Warfare: In the Words of Mujahideen Fighters (Compendium Publishing, London, 2001) pp. 13-14.
3. Anwar-ul-Haq Ahady, "The Decline of the Pashtuns in Afghanistan", Asian Survey (Berkley), Vol.35, No. 7, July 1995, p. 629.
4. Barnett R. Rubin, The Fragmentation of Afghanistan: State Formation and Collapse in the International System (Yale University Press, 1995), p.247.
5. Bob Woodward, Bush at War (Simon and Schuster, London, 2003), p.314.
6. Dilip Hiro, War Without End: The Rise of Islamist Terrorism and Global Response (Roli Books, New Delhi, 2002), p.356.
7. Sonali Kolhatkar, "Warlords Stand in the Way" Asia Times (Hong Kong), 8 Oct. 2003).
8. Ahmed Rashid, Taliban: Islam, Oil and the New Great Game in Central Asia (I.B.Tauris, London, 2000) p.17.
9. Rubin, N. 4, p.9.
10. Middle East Economic Digest (London), (15 Sep. 1995), p.18.
11. John K. Cooley, Unholy Wars: Afghanistan, America and International Terrorism (Pluto Press, London, 2000) p. 104.
12. Jalali and Grau, N. 2, p. 397.
13. Hiro, N.6, p. 204.
14. Rubin, N. 4, pp.239-40.
15. Angelo Rasanayagam, Afghanistan: A Modern History: Monarchy, Despotism or Democracy?

The Problems of Governance in the Muslim Tradition, (I. B Tauris, London, 2003) p. 132.
16. Rubin, N. 4, pp. 248-9.
17. Olivier Roy's personal communication. Quoted in ibid, p. 260.
18. Ibid, p.277.
19. Rasanayagam, N.15, p.133.
20. Rashid, N.8, p.127.
21. Hiro, N. 6, p. 244.
22. Rasanayagam, N.15, p. 133.
23. Woodward, N.5, p. 231.
24. Hiro, N.6, p. 357 and 462.
25. Quoted in Kolhatkar, N.7.
26. Mahendra Ved, "Phoenix Rising: Karzai Government at Work" in Sreedhar, ed., Afghanistan in Transition (Indian Council of World Affairs, New Delhi, 2003) p.44.

۲۷. "TAGP" به شکل رسمی در قالب یک توافقنامه در مه ۲۰۰۲ در اسلام‌آباد و از سوی سران سه کشور افغانستان، پاکستان و ترکمنستان به امضا رسید.

28. Bay Fang, "The U.S and Iran jockey for Influence in Western Iran", US News and World Report (Washington, D C), (12 Aug. 2002), p.16.
29. David Zucchino, "General Values Alliance with the Warlords", Los Angeles Times, (4 Nov. 2002).
30. John Pilger, "What Good Friends Left Behind", The Guardian (London), (20 Sep. 2003).

۳۱. برخی تخمین‌ها تعداد شبه‌نظامیان اسماعیل‌خان را بالغ بر ۷۵/۰۰۰ نفر ذکر می‌کنند. برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به:

Lucy Morgan-Edwards, "Old Warlord Proves Thorn in the Side of Afghan Government", Telegraph (London), (13 April 2003).
32. Duncan Campbell, "This Malign Spell Has Yet to be Broken", Guardian, (21 July 2004).
33. Paul Watson, "Afghan Warlord Cedes His Citadel" Los Angeles Times, (15 Sep. 2004).
34. Fareed Zakaria, "The Stakes in Afghanistan", Washington Post, (3 Aug 2004).
35. Craig Smith, "NATO Runs Short of Troops to Expand Afghan Peacekeeping", New York Times, (18 Sep. 2004).
36. Scott Baldauf, "Afghans Yet to Lay Down Arms", Christian Science Monitor (Paris), (14 Oct. 2003).

۳۷. مناقشات میان جنگ‌سالاران سه نوع است: مناقشه بر سر زمین و آب که دو منبع مهم و کمیابند، مناقشه بر سر مسائل قومی که غالباً به زمین و آب مربوط می‌شوند. اما علاوه بر آن دو، با موضوعات میان احزاب سیاسی نیز ارتباط دارد و مسائل مربوط به امور خانوادگی که غالباً مربوط به زنان است را نیز دربر می‌گیرد.

برای آگاهی بیشتر مراجعه کنید به:

Peace-building in Afghanistan, http://www.crisisweb.org. Accessed on (18 Oct. 2003).
38. April Witt, "Bridging Two Afghan Worlds", Washington Post, (7 June 2003).
39. Idem, "Herat's Powerful Leader Nods to Kabul's Authority but Defends Conservatism", N.41.
40. Hamida Ghafour, "Karzai Shifts Three Militia Leaders to Civilian Posts", Los Angeles Times, (21 July 2003).
41. Witt, N.41.
42. Baldauf, N.38.

43. Daily Star (Beirut), (13 Oct. 2003).
44. Pamela Constable, "Defense Minister Denies Reports of Split With Karzai", Washington Post, (7 Oct. 2003).
45. Halima Kazem, "In a Rare Interview Afghan Defense Minister Denies that He's a Warlord in Waiting", Christian Science Monitor, (17 Oct. 2003).
46. Mike Collet-White, "Powerful Afghan Governor Slams Disarmament Plan", Reuters, (10 May 2004).

۴۷. اسماعیل‌خان از ارتش افغان به دلیل آنکه تنها نقش میانجی را میان او و رقیبش ایفا نمود، انتقاد کرد. اما این انتقاد و نیز انتظار وی مبنی بر بازداشت امان الله خان در کابل و سپرده شدن او به دست عدالت، ساده‌لوحانه بود؛ زیرا این اقدامات ارتش یک سناریوی از پیش طراحی شده بود. گفته وی مبنی بر این که نایب‌زاده باید به دلیل کشتن پسرش مجازات شود نیز به همان اندازه ساده‌لوحانه بود. مراجعه کنید به:

Hamila Kazem, "New Afghan Army Asserts Itself' Christian Science Monitor, (23 Aug. 2004).
48. Declan Walsh, "Day of Reckoning for the Emir of Herat", Guardian, (4 Sept. 2004).
49. New York Times, (13 Sept. 2004).
50. Stephen Graham, "Aid Workers Evacuate Western Afghan City", Associated Press, (13 Sep. 2004).
See also Pamela Constable, "Afghans Riot over Dismissal of Governor in Herat", Washington Post, (13 Sep. 2004).
51. Walsh, N. 51.
52. Mohammed Ayoob, "South-west Asia after the Taliban" Survival, (London), Vol. 44. No. 10, (Spring 2002), P.53.
53. Bjqern Moeller, "Post Trinitarian War and the Regulation of Violence", in Stepahno Guzzini and Dietrich.
Jung, eds., Contemporary Security Analysis and Copenhagen Peace Research (Routledge, London, 2004), p. 88.
54. Gordon Peake, "From Warlords to Peacelords?", Journal of International Affairs (New York), Vol. 56, No.2, (Spring 2003), p.190.
55. Joakim Gundel, "Assisting Structures of Violence?: Humanitarian Assistance in the Somali Conflict", in Dietrich Jung, ed., Shadow Globalization, Ethnic Conflicts and New Wars: A Political Economy of Intra- State War (Routledge, London, 20030 p.177

۵۶. اسماعیل‌خان رهبر شاخه غربی «جمعیت اسلامی» و درظاهر به رهبر این جمعیت (برهان‌الدین ربانی) وفادار بود. اسماعیل‌خان به همراه احمد شاه مسعود، از جمله مؤثرترین رهبران مقاومت افغان علیه روس‌ها بود که این مسئله مورد تصدیق آمریکا نیز قرار داشت.

۵۷. این نکته را نباید از یاد برد که این گونه درآمدها به خان اجازه داده است از عهده تأمین هزینه‌های شبه‌نظامیان طرفدار خود (که قریب به ۲۵/۰۰۰ نفر برآورد می‌شوند) برآید.

۵۸. در پی شورش خان در سال ۱۹۷۹، «مسکو نگران این مسئله بود که ناآرامی‌هایی مشابه در سایر شهرهای افغانستان نیز رخ دهد. بنابراین ۳۰۰ تانک را از ترکمنستان ـ که آن زمان جزئی از شوروی بود ـ روانه هرات کرد تا وی را سرکوب نمایند. در پی این اقدام، نظامیان شوروی در تصمیمی نابخردانه یکی از قدیمی‌ترین شهرهای جهان را هدف حملات خود قرار دادند و اکنون که پانزده سال از آن زمان می‌گذرد، هنوز هرات چهره یک شهر

جنگ‌زده را دارد. مراجعه کنید به:

Ahmed Rashid, Taliban: Militant Islam, Oil & Fundamentalism in Centeral Asia (News Haven, Conn : yale University Press, 2001), 37.

59. Lutz Kleveman, The New Great Game: Blood and Oil in Central Asia (New York: Atlantic Monthly Predd, 2003), 202.

۶۰. اسماعیل‌خان و جمعیت اسلامی در طول جنگ با نیروهای شوروی کمک قابل توجهی از آمریکا دریافت نکردند؛ به‌ویژه در مقایسه با فرماندهی همچون گلبدین حکمتیار که در حال حاضر از جمله دشمنان قسم‌خورده آمریکاست. خان در سازمان اطلاعات پاکستان (ISI) ـ که نقش مهمی در اتخاذ تصمیم در مورد توزیع تسلیحات و منابع آمریکا در میان مجاهدین افغان ایفا می‌نمود ـ چندان محبوب نبود.

۶۱. فهیم که از تاجیک‌های دره پنجشیر است، پس از مسعود به فرماندهی نظامی اتحاد شمال منصوب شد. مسعود فرمانده افسانه‌ای نظامی در جریان یک ترور کشته شد. فهیم در جنگ زمینی علیه طالبان نقش مهمی بر عهده داشت. با این وجود گزارش‌ها حاکی از آنند که آمریکا این اواخر به بازنگری در رابطه میان خود و اتحاد شمال و دیدگاهش در قبال فهیم پرداخته است. روزنامه واشنگتن پست در ۵ آگوست ۲۰۰۲ گزارشی را به قلم «سوزان بی. گلاسر» (Susan B.Glasser) و «پاملا کانستبل» (Pamela Constable) منتشر نمود و در آن به نقل از یک مقام غربی نوشت: «دولت آمریکا با حمایت از فهیم دچار خطای فاحشی شده است. آمریکا آن قدر قرائن لازم را در اختیار دارد که بداند وی شریک قابل اعتمادی نیست و افراد بهتر از وی نیز وجود دارند زیرا او ذاتاً یک جنایتکار خیابانی است». در خبرها آمده است که فهیم پس از نجیب‌الله، به ریاست «سرویس اطلاعاتی دولتی افغانستان» (Khad)برگزیده شد. این سازمان در زمان اشغال افغانستان از سوی شوروی، سازمان اطلاعاتی و پلیس مخفی خشن حکومت دست‌نشانده شوروی در افغانستان یا همان «حزب دموکراتیک خلق» بود. ضمناً فهیم رابطه نزدیکی با روس‌ها دارد و روس‌ها پس از مرگ مسعود مایل بودند وی به رهبری «اتحاد شمال» برسد. در حال حاضر وی مورد خشم بسیاری از پشتون‌ها، هزاره‌ها و ازبک‌ها است.

62. Insight on the News, (12 Nov 2002).

63. Ibid

۶۴. نیروهای شبه‌نظامی خان، لباس‌های متحدالشکلی را می‌پوشند که به وسیله ایران تهیه شده است. همچنین ویژگی دیگری که به شناسایی آنها کمک می‌کند، استفاده از چفیه‌هایی مانند چفیه فلسطینی‌هاست. مراجعه شود به:

Los Angeles Times, 6 Jan 2002 and The Guardian, 24 Jan 2002.

65. Ibid

۶۶. ایران در طول دوران تبعید خان، سلاح و پول در اختیار وی گذاشت. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز نیروهای زبده خان را تحت تعلیم قرار داد و خان بر تعلیم این نیروها در حوالی شهر مشهد نظارت می‌نمود. مراجعه کنید به:

Kleveman, pp.202-3.

67. Kleveman 2003, p.213.

68. Olivier Roy, Afghanistan: From Holy war to civil war (princeton, N.J : Darwin Press, 1995), p.98.

69. Ibid., p.89.
70. Kleveman 2003: 213.
71. Ibid
72. "A EurasiaNet Q & A With Ismael Khan", 24 June 2002).
73. Insight on the News, (12 Nov. 2002).

۷۴. عبدالرشید دوستم، رهبر «جنبش ملی اسلامی» است. این جنبش گروهی وابسته به قوم ازبک و متشکل از شبه‌نظامیان غالباً ازبک و از جمله اجزای تشکیل‌دهنده «اتحاد شمال» می‌باشد. دوستم در دوران اشغال افغانستان از سوی شوروی در «حزب دموکراتیک خلق» (PDPA) عضویت داشت. او همواره از استراتژی «نان به نرخ روز خورها» تبعیت کرده تا بتواند تیول خود را در شمال حفظ نماید. شورش وی علیه نجیب‌الله و پیوستن متعاقبش به مسعود نقش تعیین‌کننده‌ای در به قدرت رسیدن مجاهدین در کابل ایفا نمود. دوستم تقریباً با هر کس یک بار مؤتلف شده و به دلیل تغییر دائم اتحاد با این و آن از جمله اتحاد با حزب دموکراتیک خلق (PDPA)، اتحاد با مسعود، حکمتیار و طالبان مشهور است. شایع است که او در فهرست حقوق‌بگیران روسیه، ازبکستان، ایران، پاکستان و ترکیه بوده و گفته می‌شود که در سال ۱۹۹۵ از ایران و پاکستان حقوق دریافت کرده است.

۷۵. این قسمت و دو پاراگراف قبل، از منبع زیر گرفته شده‌اند:

Thomas H. Johnson, "The Loya Jirga, Ethnic Rivalry and Future Afghan Stability", Strategic Insight 1, No.6, (Monterey CA: Center for Contemporary Conflict, Naval Post Graduate School, Aug. 2002).

۷۶. برای اطلاعات بیشتر مراجعه کنید به:

"Warlord Khan regains Control of Afghan City after bloody clashes", (22 March 2004), and "Troops head to west Afghan city as funeral held for slain minister", (24 March 2004).

77. Seymour Hersh, "The Other war", The New Yorker, (12 April 2004).
78. Ibid
79. Andrew North, "Karzai Warning to Heart Governor", BBC News, (11 May 2004).
80. OP.cit
81. Ahmed Rashid, Taliban : Militant Islam, Oil & Fundamentalism in Center Asia (New Haven, Conn : yale University Press, 2001): 36.
82. Ibid., p.96.

فهرست محصولات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی تهران

کتاب‌های مرجع

عناوین کتاب	سال انتشار
راهنمای مراکز مطالعاتی جهان ـ جلد دوم (مراکز منطقه‌ای)	۸۴
جهانی شدن سیاست (۱) و(۲)	۸۴
دانشنامه نخبگان (۱)	۸۳
راهنمای منطقه خزر	۸۳
راهنمای منطقه و کشورهای حوزه خلیج‌فارس	۸۳
راهنمای مراکز مطالعاتی جهان جلد اول (مراکز مطالعات استراتژیک، بین‌المللی، سیاست و روابط خارجی و علوم سیاسی)	۸۲
راهنمای سازمان‌های غیردولتی	۸۱

کتاب‌های برآورد استراتژیک

عناوین کتاب	سال انتشار
آشنایی با کشورهای اسلامی (تـرکیـه)	۸۴
آشنایی با کشورهای اسلامی (مالزی)	۸۴
آشنایی با کشورهای اسلامی عربی (مصر)	۸۴
برآورد استراتژیک آمریکا (سرزمینی ـ سیاسی)	۸۲
براورد استراتژیک اذربایجان (سرزمینی، سیاسی، فرهنگی)	۸۲
برآورد استراتژیک پاکستان	۸۲
برآورد استراتژیک ژاپن	۸۲
برآورد استراتژیک مصر	۸۱

کتاب‌های تخصصی

عناوین کتاب	سال انتشار
روابط ایران و انگلستان (جلد اول)	۸۴
آلمان: منافع جمهوری اسلامی ایران	۸۴
سیاست خارجی روسیه	۸۴
چالش‌های هویت در آمریکا	۸۴
مصائب امپراتوری (امپریالیسم نظامی آمریکا در قرن ۲۱)	۸۴
حقوق و امنیت در فضای سایبر	۸۴
امنیت بین‌الملل ۲ (فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران)	۸۴
تنها ابرقدرت (هژمونی آمریکا در قرن ۲۱)	۸۳
جنگ نرم ۱ (ویژه جنگ رایانه‌ای)	۸۳
جنگ نرم ۲ (ویژه جنگ رسانه‌ای)	۸۳
سازمان‌های امنیتی در کشورهای مدل (انگلستان ـ فرانسه، ایتالیا و کانادا)	۸۳
دموکراسی، قانون، امنیت (بررسی سرویس‌های اطلاعاتی در غرب)	۸۳
پرونده هسته‌ای ایران (روندها و نظرها)	۸۳
سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی	۸۳

عناوین کتاب	سال انتشار
طرح خاورمیانه بزرگتر (القاعده و قاعده در راهبرد امنیت ملی آمریکا)	۸۳
آشنایی با معاهده گسترش سلاح هسته‌ای و پروتکل	۸۳
روزهای سرنوشت‌ساز آلمان (تاریخ معاصر آلمان ۱۹۸۹ تا ۱۹۱۴)	۸۳
تظاهرات ضد جنگ	۸۳
دعاوی ایران (بررسی کمک و حمایت‌های غرب به‌ویژه آمریکا از صدام حسین در جنگ تحمیلی)	۸۳
امنیت بین‌الملل ۱ (فرصت‌ها، تهدیدات و چالش‌های فراروی امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران)	۸۳
نظریه‌های امنیت ۱ (مقدمه‌ای بر طرح‌ریزی دکترین امنیت ملی)	۸۳
حاکمیت قدرت	۸۳
رژیم‌های بین‌المللی	۸۳
مناقشه قره‌باغ آرمان‌ها و واقعیت‌ها	۸۳
روابط ایران و آمریکا (بررسی دیدگاه نخبگان آمریکایی)	۸۲
گسل‌های منازعه	۸۲
سیاست خارجی آمریکا در آسیا	۸۲
مسائل ایران و عراق	۸۲
استراتژی در جهان معاصر (مقدمه‌ای بر مطالعات استراتژیک)	۸۲
استراتژی امنیت ملی آمریکا در قرن ۲۱	۸۲
عملیات اژاکس (بررسی اسناد CIA درباره کودتای ۲۸ مرداد)	۸۲
جنگ آمریکا و عراق	۸۱
دیپلماسی آمریکا در قرن ۲۱	۸۱
کتاب کشمیر	۸۰
اصلاحات در چین و شوروی	۸۰

کتاب‌های منطقه‌ای

عناوین کتاب	سال انتشار
کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۲ (ویژه ملاحظات سیاست خارجی و امنیتی روسیه)	۸۴
کتاب خاورمیانه ۲ (ویژه حضور اسرائیل در مناطق هم‌جوار ایران)	۸۴
کتاب اسیا ۳ (ویژه افغانستان پس از طالبان)	۸۴
کتاب امریکا ۶ (ویژه دکترین امنیت ملی بوش در خاورمیانه)	۸۴
کتاب اروپا ۵ (اتحادیه اروپا)	۸۴
کتاب امریکا ۴ (ویژه نومحافظه‌کاران)	۸۳

عناوین کتاب	سال انتشار
کتاب امریکا ۵ (ویژه نظام انتخاباتی آمریکا)	۸۳
کتاب اروپا ۳ (ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا)	۸۳
کتاب اروپا ۴ (ویژه روابط اروپا و آمریکا)	۸۳
کتاب آسیا ۲ (ویژه بحران‌های آسیا)	۸۳
کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۱ (ویژه مسائل امنیتی CIS)	۸۳
کتاب خاورمیانه ۱ (ویژه مسائل و چالش‌های خاورمیانه)	۸۳
کتاب آسیا ۱ (ویژه مسائل امنیتی شرق آسیا)	۸۲
کتاب افریقا (ویژه منازعات مسلحانه)	۸۲
کتاب امریکا ۱ (ویژه دکترین امنیت ملی بوش در خاورمیانه)	۸۲
کتاب امریکا ۲ (ویژه سیاست‌های امنیتی ایالات‌متحده در عراق)	۸۲
کتاب امریکا ۳ (ویژه روابط آمریکا ـ اسرائیل)	۸۲
کتاب اروپا ۱ (اتحادیه اروپا)	۸۲
کتاب اروپا ۲ (ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا)	۸۲

گزیده پژوهش‌های جهان

عناوین کتاب	سال انتشار
گزیده پژوهش‌های جهان ۵ (جهانی شدن و ماهیت جنگ ـ پشت پرده: روابط اسرائیل و پاکستان ـ تحول دکترین نظامی روسیه ـ اتحادیه اروپا و بحران در خاورمیانه)	۸۲
گزیده پژوهش‌های جهان ۴ (مبارزه با تروریزم ـ بازسازی عراق ـ منازعات هسته‌ای قرن ۲۱ ـ امنیت ملی روسیه ـ امنیت پس از ۱۱ سپتامبر و ....)	۸۲
گزیده پژوهش‌های جهان ۳ (تحول مفاهیم امنیت ملی در قرن ۲۱ ـ پارادوکس قدرت آمریکا ـ چارچوبی برای تدوین استراتژی ـ مشارکت فرار ـ آینده امنیت منطقه فرا خزر)	۸۱
گزیده پژوهش‌های جهان ۲ (ساختار امنیتی آینده در خاورمیانه ـ سلاح‌های هسته‌ای در قرن ۲۱ ـ پیامدهای امنیتی خیزش چین در آسیا ـ سیاست در ۵۰ سال آینده ـ برآورد استراتژیک اوراسیای مرکزی)	۸۱
گزیده پژوهش‌های جهان ۱ (سنجش قدرت ملی در عصر فراصنعتی ـ دریای خزر ـ انقلاب اطلاعاتی در ابعاد جهانی ـ خشونت سیاسی و ثبات)	۸۱

گزیده تحولات

عناوین کتاب	سال انتشار
گزیده تحولات ۲۵ تا ۳۶	۸۳-۸۴
گزیده تحولات ۱۳ تا ۲۴	۸۲-۸۳
گزیده تحولات ۱ تا ۱۲	۸۰-۸۱

کتاب‌های ایران‌ریویو

عناوین کتاب	سال انتشار
ایران‌ریویو ۳	۸۳
ایران‌ریویو ۲	۸۲
ایران‌ریویو ۱	۸۲

بولتن‌های ویژه

عناوین بولتن ویژه	سال انتشار
روابط هند و پاکستان ـ ایالات‌متحده: گام‌های بعدی	۸۴
گفت‌وگوی استراتژیک آمریکا و هندوستان	۸۴
ثبات سیاسی در کشورهای عربی: معضلات اقتصادی	۸۴
جابه‌جایی شن‌ها: پایان همکاری ایالات‌متحدهٔ امریکا ـ عربستان سعودی	۸۴
روابط ایران ـ ایالات‌متحده: تحلیلی بر سیاست‌ها، قوانین و مقررات	۸۴
روابط بین‌الملل در آسیای مرکزی ـ شرقی؛ چالش‌های ژئوپلیتیک و چشم‌انداز همکاری‌های سیاسی	۸۴
فهم تصوف و نقش بالقوه آن در سیاست خارجی آمریکا	۸۴
ایالات متحده، ایران و روابط فراآتلانتیک؛ به سوی بحران؟	۸۴
محافظت از تسلیحات و مواد هسته‌ای	۸۳
دروازه ترکیه (ترانزیت انرژی و مسائل امنیتی)	۸۳
پیامدهای جهانی دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای	۸۳
اسرائیل و موشک ضد موشک آرو	۸۳
عملگرایی در اوضاع سیاسی ایران	۸۳
روابط هسته‌ای ایران و روسیه و گزینه‌های سیاسی آمریکا	۸۳
بازگشت یهودستیزی	۸۳
ایران و ایالات متحده: معمای هسته‌ای	۸۳
نگاهی تحلیلی به روابط هند و اسرائیل	۸۳
بمب اتمی ایران: دیدگاه‌های ایران و آمریکا	۸۳
روابط ایران و ایالات متحده از دیدگاه شورای روابط خارجی آمریکا	۸۳
تحولات سیاسی و امنیتی اسرائیل	۸۳
نگاهی تحلیلی بر تحریم‌های ایالات متحده علیه سوریه	۸۳
آینده اروپا: پنج سناریو	۸۳
نگاهی تحلیلی به اعطای وضعیت تحت‌الحفظ از سوی آمریکا به اعضای گروهک رجوی	۸۳

عناوین بولتن ویژه	سال انتشار
خلاصه اجرایی گزارش کمیسیون ۱۱ سپتامبر	۸۳
نگاهی تحلیلی به مهم‌ترین مصوبات کنگره امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران	۸۳
شکل‌گیری ولکان‌ها (تاریخچه کابینه جنگ بوش)	۸۳
ایران هسته‌ای: پیامدهای منطقه‌ای	۸۳
معضلات امنیت منطقه‌ای خاورمیانه: به‌دنبال راه‌حل	۸۳
گفتگوهایی درباره عراق	۸۳
پایان دادن به شرارت	۸۳
افکار عمومی آمریکا و سیاست خارجی در سال ۲۰۰۴	۸۳
ادبیات کاخ سفید ۵ (بررسی اظهارات دولتمردان ایالات متحده در مرداد و شهریور ۱۳۸۳)	۸۳
ادبیات کاخ سفید ۴ (بررسی اظهارات دولتمردان ایالات متحده در خرداد و تیر ۱۳۸۳)	۸۳
ادبیات کاخ سفید ۳ (بررسی اظهارات دولتمردان ایالات متحده در شش ماهه دوم سال ۸۲)	۸۳
ادبیات کاخ سفید ۲ (بررسی اظهارات دولتمردان ایالات متحده در فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳)	۸۳
ادبیات کاخ سفید ۱ (بررسی اظهارات دولتمردان ایالات متحده در شش ماهه نخست سال ۱۳۸۲)	۸۲
سیاست خارجی دولت جدید ایالات متحده (نحوه تأثیر نتایج انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده بر ژئوپلیتیک و ادراکات جهانی)	۸۳
اروپا و طرح خاورمیانه بزرگ‌تر امریکا: مسائلی اساسی برای گفت‌وگو	۸۳
پشت صحنه یک رابطه جنجال‌امیز: ایالات متحده و ایران	۸۳
دیدگاه‌های مردم عراق درباره اشغال این کشور و آینده آن	۸۳
راهنمای مراکز ایران‌شناسی	۸۲
گزینه‌های پیش‌رو: سیاست ایالات متحده در برابر برنامه هسته‌ای ایران	۸۲
کنترل سلاح‌های کشتار جمعی (یافته‌های ۱۱ پروژه پژوهشی)	۸۲
افکار عمومی اسرائیل در خصوص امنیت ملی (۲۰۰۳)	۸۲
نگاهی به تحولات جهان (شش ماهه نخست سال ۱۳۸۲)	۸۲
هشت نظرسنجی از افکار عمومی امریکا و اتحادیه اروپا در خصوص عملکرد بوش، جنگ عراق و موجودیت اسرائیل	۸۲
نگرش مردم آمریکا نسبت به دولت فدرال	۸۲
گزارش کنفرانس: معضلات امنیت منطقه‌ای خاورمیانه: به دنبال راه‌حل	۸۲
حوادث اخیر ایران در آیینه وبلاگ‌ها	۸۲
اینده ایران: حکومت روحانیون، دموکراسی و جنگ بر ضد تروریسم	۸۲

پژوهش و تحقیق

عناوین کتاب	سال انتشار
نگاهی به پژوهش‌های مؤسسات تحقیقاتی (سیاست و روابط خارجی، مسائل منطقه‌ای، امنیتی و استراتژیک)	۸۴
تروریسم در پرتو تکوین نظام حقوقی بین‌المللی: خاستگاه مبهم سیاسی، استلزامات حقوقی کیفری	۸۴
بررسی وضعیت مرز ایران و افغانستان	۸۳
نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه اثار حقوقی ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین	۸۳
قانون و امنیت در کشورهای مدل	۸۳
نقش شیعیان در فرایند دولت‌سازی عراق نوین و تاثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران	۸۳